



# روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

## قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR  
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۵۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: قسمت دوم نامه شماره ۶۰/۶۰۵۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت که تشخیص موارد مبتنی بر وجود دلایل منطقی و خارج از ید دارندگان گواهی کشف معدن را به رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان واگذار کرده، ابطال شد
۳	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره‌های ۲۱۶۷ الی ۲۱۷۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۹۱۹/ت/۸۸۹۱۹-۵۷۰۴۸-۱۳۹۸/۷/۱۵ هیأت وزیران و دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکتهای تجارتي متضمن ماهیت قضایی بوده و موضوع آنها از مصادیق موضوعات مرتبط با نظام‌نامه‌های موضوع ماده ۹ قانون راجع به ثبت شرکتهاست که وضع آنها در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است، خارج از صلاحیت هیأت وزیران و معاون حقوقی رئیس‌جمهور است در نتیجه ابطال شد
۵	وزارت راه و شهرسازی	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: نامه شماره ۹۹/و/۱/۱۱۷۳۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲ وزیر راه و شهرسازی مبنی بر ابلاغ اسناد طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران به لحاظ اینکه به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری نرسیده مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات است
۷	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره‌های ۲۱۷۲ و ۲۱۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: چنانچه مفاد ماده ۲۰ آیین‌نامه تنظیم امور نمایندگی بیمه در قرارداد بین شرکت بیمه و نماینده منعکس و یا به نحوی التزام نماینده به مفاد ماده مزبور احراز شود، ماهیت رأی هیأت مزبور، همان ماهیت رأی داور بوده و دارای احکام آن است که رسیدگی به اعتراض نسبت به آن در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری نیست
۹	شورای اسلامی شهر محلات	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۷۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۸ تعرفه عوارض شهرداری محلات در سال ۱۳۹۹ که تحت عنوان عوارض تأمین و احداث پارکینگ طبق ضوابط و مقررات طرح تفصیلی به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده است از تاریخ تصویب ابطال شد
۱۰	شورای اسلامی شهر اندیشه	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۱۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ و بند ۱۶ تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری اندیشه که تحت عنوان عوارض مزاد بر سطح اشغال به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده از تاریخ تصویب ابطال شد
۱۱	شورای اسلامی شهر قم	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۷۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمتی از تبصره ۲ بند ب ماده یک و تبصره ۱۳ بند ج ماده یک تعرفه عوارض و بهای خدمات سالهای ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر قم از تاریخ تصویب ابطال شد
۱۲	شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۷۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: مواد ۴، ۷ و ۸ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد به شماره سند عتف - آ - ۲۲۰۳ مصوب جلسه شماره ۶۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابطال شد
۱۳	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره ۲۱۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: صورت‌جلسه شماره ۱۸-۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای عالی مالیاتی (موضوع بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ سازمان امور مالیاتی کشور) ابطال شد
۱۵	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۱۴۰۰/۷/۲۷	رای شماره‌های ۲۱۷۹ و ۲۱۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر تبیین ساعت‌های کاری نوبتهای صبح، عصر و شب ابطال شد

## قوانین و مقررات عمومی

شماره ۰۰۰۰۴۷۲

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه  
۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۵۸ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «قسمت دوم نامه شماره  
۶۰/۶۰۵۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و  
تجارت که تشخیص موارد مبتنی بر وجود دلایل منطقی و خارج از ید دارندگان گواهی  
کشف معدن را به رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان واگذار کرده، ابطال شد.»  
جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۵۸ شماره پرونده: ۰۰۰۰۴۷۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حمیدرضا علی بیکی لی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت دوم نامه شماره ۶۰/۶۰۵۳۱ -

۱۳۹۳/۳/۷ معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال قسمت دوم نامه شماره  
۶۰/۶۰۵۳۱ - معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و  
تجارت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

«برابر ماده ۸ قانون معادن دارنده گواهی کشف می‌تواند حداکثر ظرف یک سال پس از  
صدور گواهی کشف درخواست خود را برای اخذ پروانه بهره‌برداری معدن کشف شده تسلیم  
وزارت نماید. در این زمینه اعلام می‌دارد چنانچه دارندگان گواهی کشف بدون دلیل منطقی  
درخواست خود را در موعد مقرر ارائه نمایند حق اولویت از آنان سلب و محدوده از طریق  
مزایده واگذار خواهد شد (در صورت وجود دلایل منطقی خارج از ید آنان، به تشخیص و  
مسئولیت رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، رسیدگی به درخواست صدور پروانه  
بهره‌برداری به نام آنان مشروط به عدم وجود متقاضیان دیگر برای بهره‌برداری و حداکثر تا ۶  
ماه بعد از پایان مهلت یک ساله مندرج در ماده ۸ قانون میسر خواهد بود). تشخیص موارد  
خارج از ید وفق بند (پ) تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن از اختیارات شورای عالی معادن است.  
مصوبه ایی که دال بر تنفیذ اختیار تشخیص موارد خارج از ید به رؤسای سازمان صنعت، معدن  
و تجارت استان باشد در مصوبات شورای عالی معادن وجود ندارد. معاون وزیر هم یکی از اعضاء  
شورا و دبیر شورا بوده صلاحیت واگذاری اختیارات شورای عالی معادن را به سایرین ندارد.»

در پی اخطار رفع نقیصی که از طرف دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان  
عدالت اداری به شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحه مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۵ توضیح  
داده است که:

«الف) مصوبه مذکور مغایر با بند (پ) تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن می‌باشد.

ب - نامه ۶۰/۶۰۵۳۱ - معاون وزیر صمت خارج از حدود اختیارات و  
همچنین خلاف قانون به شرح دلایل و جهات زیر می‌باشد که متن مصوبه به شرح زیر  
می‌باشد: «در صورت وجود دلایل منطقی خارج از ید آنان، به تشخیص و مسئولیت رئیس  
سازمان صمت استان، رسیدگی به درخواست صدور پروانه بهره‌برداری به نام آنان مشروط  
به عدم وجود متقاضیان دیگر برای بهره‌برداری و حداکثر تا شش ماه بعد از پایان مهلت  
یک ساله مندرج در ماده ۸ قانون معادن میسر خواهد بود.»

۱- تشخیص موارد خارج از ید وفق بند (پ) تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن از  
اختیارات شورای عالی معادن می‌باشد.

۲- مصوبه‌ای که دال بر تنفیذ اختیار تشخیص موارد خارج از ید به روسای سازمان  
صمت استان باشد در مصوبات شورای عالی معادن وجود ندارد.

۳- معاون وزیر هم صلاحیت واگذاری اختیارات شورای عالی معادن را به سایرین  
نداشته و ایشان دبیر شورا و یک عضو از اعضای شورا می‌باشند که در مصوبه مذکور،  
معاون وزیر صمت تشخیص موارد خارج از ید را به رئیس سازمان صمت استانها، واگذار  
نموده است لذا از این حیث علاوه بر اینکه خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده  
می‌باشد، مغایر با بند (پ) تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن که مسئولیت تشخیص موارد  
خارج از ید از وظایف و اختیارات شورای عالی معادن شمرده شده است نیز می‌باشد.

۴- رسیدگی به درخواست متقاضی در مصوبه مذکور منوط به دو امر گردیده شده است.  
۱- عدم وجود متقاضی ۲- ارائه درخواست حداکثر تا ۶ ماه بعد از پایان مهلت یک ساله.

۵ - با توجه به موضوعی بودن خارج از ید، قید نمودن مدت (۶ ماه) برای بررسی  
موارد خارج از ید، خلاف قانون می‌باشد و قانوناً برای آن محدودیتی وجود ندارد و مقنن  
صرفاً به احراز خارج از ید بودن موضوع اکتفا نموده است تا چنانچه خارج از ید بودن عدم  
ارائه درخواست پروانه بهره‌برداری در مهلت یک ساله و پس از اتمام مهلت یک ساله تا  
زمان درخواست خارج از ید منضم به تقاضای صدور پروانه بهره‌برداری، احراز گردید با  
تشخیص شورای عالی معادن درخواست وی اجابت گردد که قید ۶ ماه مصداق محدود و  
مضیق کردن شمولیت قانون و مصداق خودداری از انجام وظایف می‌باشد.

۶ - مشروط نمودن بررسی موارد خارج از ید به عدم وجود متقاضیان دیگر نیز فاقد  
وجاهت قانونی می‌باشد چرا که در بند (پ) تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن برای رسیدگی  
درخواست متقاضی چنین قیدی وجود ندارد و چنانچه دلایل خارج از ید بودن دارنده گواهی  
کشف موجه باشد حتی با وجود متقاضیان دیگر اولویت وی سلب نمی‌شود که در مصوبه  
مذکور، معاون وزیر صمت رسیدگی به درخواست متقاضی موارد خارج از ید را مشروط به دو  
امر ۱- عدم وجود متقاضی ۲- ارائه درخواست حداکثر تا ۶ ماه بعد از پایان مهلت یک ساله  
نموده است لذا از این حیث نیز مغایر با بند (پ) تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن که به صورت  
عام بوده و محدود و مضیق یا مشروط به شروط مذکور ننموده می‌باشد.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«نامه شماره ۶۰/۶۰۵۳۱ - ۱۳۹۳/۳/۷

سازمان صنعت، معدن و تجارت ۳۱ استان

سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب استان کرمان

با سلام

به اطلاع می‌رساند: برابر ماده ۸ قانون معادن دارنده گواهی کشف می‌تواند حداکثر  
ظرف یک سال پس از صدور گواهی کشف درخواست خود را برای اخذ پروانه بهره‌برداری  
معدن کشف شده تسلیم وزارت نماید. در این زمینه اعلام می‌دارد چنانچه دارندگان  
گواهی کشف بدون دلیل منطقی درخواست خود را در موعد مقرر ارائه نمایند حق  
اولویت از آنان سلب و محدوده از طریق مزایده واگذار خواهد شد. در صورت وجود دلایل  
منطقی خارج از ید آنان، به تشخیص و مسئولیت رئیس سازمان صمت استان، رسیدگی  
به درخواست صدور پروانه بهره‌برداری به نام آنان مشروط به عدم وجود متقاضیان دیگر  
برای بهره‌برداری و حداکثر تا ۶ ماه بعد از پایان مهلت یک ساله مندرج در ماده ۸ قانون  
معادن میسر خواهد بود. - معاون امور معادن و صنایع معدنی

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی وزارت صنعت، معدن و  
تجارت به موجب لوایح شماره ۶۰/۲۰۸۳۸۰ - ۱۳۹۹/۸/۲۸ و ۶۰/۶۹۷۶۲ - ۱۴۰۰/۳/۵ به  
طور خلاصه توضیح داده است که:

«دلایل شاکي برای اعلام وضعیت خارج از اختیار صحیح نبوده است. در طول زمانی  
که شاکي مدعی است به علت وقوع تصادف و بستری بودن قادر به پیگیری امور مربوط به  
ظهرنویسی پروانه و انتقال نبوده است در معیت کارشناسان سازمان در بازدیدهای اکتشافی  
و نظارتی همراهی داشته و با کارشناسان ارتباط داشته است. مفاد نامه شماره ۶۰/۶۰۵۳۱ -  
۱۳۹۲/۳/۷ معاون امور معادن و صنایع مصرفی ناظر به مواردی است که افراد دلایل منطقی  
بر عدم ارائه مدرک در فرصت و بازه زمانی مقرر در ماده ۸ قانون معادن است. ضمن اینکه  
خواسته‌های دیگر شاکي مبنی بر الزام به صدور پروانه بهره‌برداری و الزام به ظهرنویسی  
گواهی کشف به موجب تصمیم شعب دوازدهم بدوی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۱۱۲۱ -  
۱۴۰۰/۱/۱۴ و دادنامه شماره ۴۷۸۲۹۱ - ۱۴۰۰/۲/۲۶ شعبه دوم تجدیدنظر مردود اعلام  
شده و به لحاظ اعتبار امر مختوم به موجب خروج موضوع ابطال نامه مذکور از صلاحیت  
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین  
دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از  
بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۸ قانون معادن: «دارندگان گواهی کشف می‌توانند حداکثر ظرف یک  
سال پس از صدور گواهی کشف، درخواست خود را برای اخذ پروانه بهره‌برداری معدن  
کشف شده، تسلیم وزارت صنعت، معدن و تجارت نمایند. عدم تسلیم درخواست مزبور در  
مهلت مقرر موجب سلب حق اولویت یادشده، از آنان خواهد شد.» با توجه به اینکه به  
موجب بند «پ» تبصره ۳ ماده ۱۲ همین قانون، تشخیص موارد خارج از اختیار دارندگان  
مجوز عملیات معدنی، یکی از وظایف و اختیارات شورای عالی معادن است و براساس بند  
«ت» ماده ۱ قانون معادن، عملیات معدنی شامل اکتشافات، تجهیز، استخراج، کانه‌آرایی و  
فرآوری است؛ بنابراین در فرضی که دارندگان گواهی کشف، دلیل منطقی برای عدم ارائه  
درخواست اخذ پروانه بهره‌برداری در موعد مقرر داشته باشند و عدم اقدام آنها به انجام این

به نظر می‌رسد مصوبه مذکور خارج از قلمرو اجرایی و ورود به حیطه تقنینی است که وفق اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی قابل بررسی و تعیین تکلیف در مبادی ذیربط می‌باشد.

۲- همان طور که مستحضرید با عنایت به قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن از جمله مواد ۷۸ و ۵ و ماده ۱۳۵ قانون تجارت نحوه تبدیل برخی از انواع شرکتها به صورت مصرح تعیین تکلیف گردیده و قانونگذار با احصاء آن تشریفات در نظر گرفته است ولیکن در خصوص سایر انواع شرکتها مقرراتی پیش‌بینی نگردیده است.

۳- در تصویب‌نامه هیأت وزیران به مواد ۸ و ۹ قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰ استناد گردیده است که به نظر استناد به مواد فوق در رابطه با موضوع تبدیل شرکتها فاقد محمل قانونی و مستند قابل اتکایی در خصوص موضوع به نظر نمی‌رسد.

۴- از منظر حقوقی نظام‌نامه فوق‌الذکر در رابطه با ثبت شرکتهای خارجی و ایرانی است و از لحاظ موضوعی ارتباطی با تبدیل شرکتهای تجاری قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ (که یک سال پس از قانون ثبت شرکتها به تصویب رسیده است) ندارد.

۵- عدم صلاحیت هیأت دولت در الحاق ماده ۳۶ به نظام‌نامه ثبت شرکتها: ماده ۹ قانون راجع به ثبت شرکتها مقرر داشته است: «برای اجرای این قانون از طرف وزارت عدلیه نظام‌نامه‌های لازمه تنظیم خواهد شد.» نظر به اینکه در زمان وضع قانون وزارت عدلیه، قوه قضاییه کشور بوده است با پیروزی انقلاب اسلامی کلیه وظایف و اختیارات وزیر دادگستری به قوه قضاییه تفویض شده است لذا الحاق هر ماده‌ای به نظام‌نامه مذکور در صلاحیت رئیس قوه قضاییه است نه هیأت وزیران.

علی‌احوال نظر به اینکه بر اساس ماده الحاقی و دستورالعمل آن، اشخاصی متقاضی تبدیل شرکت بوده و در صورت ثبت تبدیل آنها و متعاقباً ابطال مصوبه مشکلاتی برای متقاضیان ایجاد خواهد شد. خواهشمند است دستور فرمایید در دستور کار قرار بگیرد.

متن مقررهای مورد شکایت به شرح زیر است:

الف - مصوبه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۵۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵ هیأت وزیران  
" وزارت دادگستری - وزارت امور اقتصادی و دارایی - معاونت حقوقی رئیس جمهور - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۷/۱۰ به پیشنهاد شماره ۱۳۹۸/۶/۲۷-۳۳۹۹۲/۷۹۰۱۰ معاونت حقوقی رئیس جمهور به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای مواد ۸ و ۹ قانون ثبت شرکتها - مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۱۳۵ قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱ و مواد ۵ و ۲۸۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - مصوب ۱۳۴۷ - تصویب کرد. متن زیر به عنوان ماده ۳۶ به نظام‌نامه اجرایی قانون ثبت شرکتها - مصوب ۱۳۱۰ الحاق می‌شود:

ماده ۳۶ - تبدیل کلیه شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت - مصوب ۱۳۱۱ - به یکدیگر مجاز است. نحوه تبدیل این شرکتها به یکدیگر، به موجب دستورالعملی خواهد بود که ظرف سه ماه، توسط معاونت حقوقی رئیس جمهور با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود. - معاون اول رئیس جمهور  
ب - دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری ابلاغی به شماره ۱۳۹۹۲/۱۶۶۲۴-۳۳۹۹۲/۲/۲۳ معاون حقوقی رئیس جمهور:

" وزارت امور اقتصادی و دارایی - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

نظر به اینکه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در اجرای مصوبه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۱۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵ هیأت وزیران، دستورالعمل اجرایی ماده (۳۶) نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکتها (مصوب ۱۳۱۰) را با عنوان «دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری»، با همکاری دستگاه‌های مقرر در تصویب‌نامه هیأت وزیران، در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ تصویب نموده است، مراتب جهت اجرا ابلاغ می‌شود. - معاون حقوقی رئیس‌جمهور

دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری  
در اجرای ماده ۳۶ الحاقی به نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰ راجع به تبدیل شرکتها، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۵۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵ هیأت وزیران، با هدف تسهیل و رفع موانع تولید و تعیین ساز و کارهای عملیاتی، فرآیندهای نظارتی و صدور مجوز و ثبت تبدیل انواع شرکت‌های تجاری در راستای حمایت و توسعه کسب و کارها، از جمله شرکت‌های دانش بنیان و نوپا و همچنین مشارکت و ورود به بازار سرمایه و حفظ حقوق سرمایه‌گذاران دستورالعمل ذیل در معاونت حقوقی ریاست جمهوری با همکاری وزارت امور اقتصاد و دارایی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به شرح مواد آتی به تصویب رسید.

ماده ۱- اصطلاحات مذکور در این دستورالعمل در معانی مشروح زیر به کار می‌رود:

الف - قانون: قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱

ب - لایحه قانونی: لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷

امر خارج از اختیارشان باشد، تشخیص چنین موردی براساس بند «پ» تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون معادن در صلاحیت شورای عالی معادن است و لذا قسمت دوم نامه شماره ۶۰/۶۰۵۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت که تشخیص موارد مبتنی بر وجود دلایل منطقی و خارج از ید دارندگان گواهی کشف معدن را به رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان واگذار کرده، مغایر با بند قانونی مذکور و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۰۲۱۲

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۶۷ الی ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۰ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «تصویب‌نامه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۵۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵ هیأت وزیران و دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری متضمن ماهیت قضایی بوده و موضوع آنها از مصادیق موضوعات مرتبط با نظام‌نامه‌های موضوع ماده ۹ قانون راجع به ثبت شرکتهاست که وضع آنها در صلاحیت رئیس قوه قضاییه است، خارج از صلاحیت هیأت وزیران و معاون حقوقی رئیس‌جمهور است در نتیجه ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۶۷ الی ۲۱۷۰

شماره پرونده: ۹۹۰۰۳۱۸۲-۹۹۰۱۰۱۲-۹۹۰۰۷۳۰-۹۹۰۰۲۱۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان احمد محمدی قلعه، محمودرضا حاجی نصراله، خانم الهام مقربان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- مصوبه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۵۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵

هیأت وزیران

۲- دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری ابلاغی به شماره ۱۳۹۹۲/۱۶۶۲۴-۳۳۹۹۲/۲/۲۳

معاون حقوقی رئیس جمهور

گردش کار: مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به موجب نامه شماره ۹۹۰۳۲۶۱۶-۱۳۹۹/۲/۳۰ و سایر شاکیان به موجب دادخواست‌هایی جداگانه ابطال مصوبه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۵۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵ هیأت وزیران و دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری ابلاغی به شماره ۱۳۹۹۲/۱۶۶۲۴-۳۳۹۹۲/۲/۲۳ معاون حقوقی رئیس‌جمهور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

" به استحضار می‌رساند هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۰ به پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی طی تصویب‌نامه شماره ۸۸۹۱۹/ت/۵۷۰۴۸-هـ/۱۳۹۸/۷/۱۵ نسبت به الحاق ماده ۳۶ به نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰ وزارت عدلیه به شرح ذیل اقدام نموده است:

ماده ۳۶ - تبدیل کلیه شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به یکدیگر مجاز است. نحوه تبدیل این شرکتها به یکدیگر به موجب دستورالعملی خواهد بود که ظرف سه ماه توسط معاونت حقوقی رئیس‌جمهور با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود. علیرغم اینکه موضوع مذکور از تکالیف و وظایف اصلی دوائر تابعه این سازمان بوده (اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری) در تصویب مقرر فوق هیچ‌گونه اخذ نظری از مرجع اخیرالذکر صورت نپذیرفته و هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس شورای اسلامی نیز به شرح نامه ۷۷۸۷۵ - ۱۳۹۸/۱۰/۱ نسبت به صلاحیت قوه مجریه در تصویب الحاقیه مورد اشاره ایراد وارد نموده است. لکن ملاحظه می‌گردد معاونت حقوقی ریاست جمهوری نسبت به تهیه و ابلاغ دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجاری موضوع الحاقیه صدرالذکر طی شماره ۱۳۹۹۲/۱۶۶۲۴-۳۳۹۹۲/۲/۲۳ اقدام نموده که بدون عطف توجه به سوابق و صلاحیتها و مبانی حقوقی صورت پذیرفته است. علی‌احوال مصوبه هیأت دولت در الحاق ماده ۳۶ به نظام‌نامه قانون ثبت شرکت مغایر قانون بوده و تقاضای ابطال مصوبه مذکور و به تبع دستورالعمل معاون حقوقی رئیس‌جمهور را خواستاریم.

۱- با عنایت به اصل عدم جواز در حقوق عمومی برخلاف حقوق خصوصی به نظر موضوع مذکور مستلزم وضع قانون است و اساساً حق انحصاری موضع قانون قابل تفویض نبوده و به صراحت اصل ۷۱ قانون اساسی در انحصار مجلس شورای اسلامی می‌باشد. لذا

ماده ۱۵- تبدیل مجدد شرکت تجارتي تبدیل شده صرفاً پس از گذشت مدت ۳ سال از تبدیل اخیر و تصویب دو ترازنامه و حساب سود و زیان و رعایت سایر مقررات این دستورالعمل، امکان پذیر است.

تبصره - تبدیل شرکت سهامی خاص به عام از حکم این ماده مستثنی است.  
ماده ۱۶- مدیران شرکت تبدیل شده پس از تبدیل، در سمت خود، باقی میمانند. شرکت مکلف است، با توجه به نوع شخصیت حقوقی جدید و رعایت مقررات، نسبت به انتخاب مدیران، اقدام کنند.

ماده ۱۷- به منظور برنامه ریزی در اجرای موثر این دستورالعمل و تسهیل و تسریع در امور و رفع ابهامات و اختلافات احتمالی در خصوص ثبت تبدیل انواع شرکت و آموزش فعالان کسب و کار، موضوعات توسط کارگروهی با عضویت نمایندگان تام الاختیار معاونت های حقوقی و علمی و فناوری رئیس جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعیین تکلیف می شود.

تبصره - جلسات کارگروه با مسئولیت نماینده معاونت حقوقی رئیس جمهور، در اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری یا به صورت مجازی، برگزار می شود.

ماده ۱۸- این دستورالعمل در ۱۸ ماده و ۴ تبصره، با همکاری دستگاههای ذیربط تهیه و در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ به تصویب معاون حقوقی رئیس جمهور رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجراست.

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت به موجب لایحه شماره ۳۱۴۷۸- ۱۳۹۹/۳/۲۷ و ۵۳۳۴۴- ۱۳۹۹/۵/۱۴ توضیح داده است که:

" ۱- شاکي دادخواست ابطال مصوبه یاد شده را به دلیل مغایرت با اصل ۸۵ قانون اساسی مطرح نموده است. این در حالی است که با توجه به دلایل تفصیلی زیر به ویژه با لحاظ رویه قانونگذار در وضع قوانین مختلف و همچنین عملکرد مجریان قانون در اجرای قانون ثبت شرکتها، تبدیل شرکتها عملاً در جریان بوده و به دلیل توقف این موضوع در سالهای اخیر، هیأت وزیران به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و اختیارات موضوع این اصل و به منظور تأمین اجرای قوانین از جمله مواد ۸ و ۹ قانون ثبت شرکتها مصوب سال ۱۳۱۰، اقدام به صدور مصوبه نموده است.

به عبارتی در تعیین قلمرو اختیارات هیأت وزیران، توجه به اصل ۱۳۸ قانون اساسی ضروری است.

۲- اصل ۸۵ قانون اساسی ناظر به اختیار قانونگذاری از سوی مجلس شورای اسلامی و منع واگذاری این اختیار به دیگری است، البته موارد استثنایی نیز در ادامه مفاد این قاعده در اصل آمده است. شاکي در متن دادخواست خود بیان نکرده مصوبه دولت از چه جهتی با اصل ۸۵ قانون اساسی مغایرت دارد. اصل ۸۵ قانون اساسی در باب واگذاری اختیار قانونگذاری از سوی مجلس به دیگری است، در موضوع حاضر هیچ گونه واگذاری برای وضع قانون صورت نگرفته تا از این منظر بتوان مصوبه دولت را مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی شمرد. ضمن آن که مصوبه هیأت وزیران همان طور که در صدر مصوبه نیز به آن اشاره شده، بر پایه و مستند به اصل ۱۳۸ قانون اساسی به تصویب رسیده است. افزون بر آن و چنان که در بخش بعدی بند ۳ نیز شرح آن خواهد آمد، تمام ظرفیتهای قانونی برای تبدیل هر نوعی از شرکتها هفت گانه به نوع دیگری از آن موجود است، ماده ۳۶ الحاقی به ناظم نامه اجرای قانون ثبت شرکتها، ضمن تأکید بر این جواز قانونی مقرر کرده که نحوه تبدیل این شرکتها موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ به یکدیگر به موجب دستورالعملی خواهد بود که توسط معاونت حقوقی رئیس جمهور با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان ثبت اسناد و املاک تهیه می شود که این دستورالعمل نیز تهیه و در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ به تصویب رسیده است.

۳- تبدیل شرکت با مسئولیت محدود به سهامی خاص از نظر حقوقی و بنا به دلایل ذیل نه تنها مانعی ندارد بلکه با بسیاری از مستندات قانونی نیز همسو و منطبق است زیرا:

۱- با توجه به اینکه حقوق موضوعه ایران در خصوص تجویز تبدیل شرکت، دارای احکامی از قبیل ماده ۱۳۵ قانون تجارت و مواد ۵ و ۲۷۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت است و تبدیل برخی از شرکتها به دیگری، من جمله تبدیل شرکت تضامنی (در منتهی الیه شرکت اشخاص از نظر مسئولیت مطلق و نامحدود شرکا) را به شرکت سهامی (در منتهی الیه شرکت سرمایه از نظر قلمرو مسئولیت شرکا در حدود آورده آنان) پذیرفته است، به طریق اولی، تبدیل شرکت با مسئولیت محدود به سهامی را نیز نه تنها می توان از متون قانونی استنباط کرد، بلکه احکام قانونی فوق ظهور در پذیرش چنین تبدیلی دارد. از این گذشته وجود احکامی مثل اختیار شرکا در «انحلال شرکت»، «کاهش سرمایه»، «تغییر و اصلاح اساسنامه» و حتی «تغییر تابعیت» که آثار و مراتب گسترده تری برای جامعه یا اشخاص طرف معامله دارد، پشتوانه محکمی برای پذیرش تبدیل شرکت است.

پ - شرکت: شرکت های تجاری که به موجب قانون تجارت یا قوانین دیگر، حسب مورد تشکیل شده یا می شود.

ت - شرکت گروه (الف): شامل شرکت با مسئولیت محدود، شرکت سهامی عام و سهامی خاص و تعاونی و تعاونی سهامی عام است.

ث - شرکت گروه (ب): شامل شرکت تضامنی و نسبی می شود.

ج - شرکت گروه (ج): شامل شرکت مختلط سهامی و غیرسهامی می شود.

چ - تبدیل شرکت: منظور تغییر نوع شرکتها تجاری به یکدیگر، بدون انحلال، زوال و تغییر هویت شخصیت حقوقی و شناسه ملی است.

ح - مرجع ثبت: ادارات ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

خ - شناسه ملی: شناسه یکتای اختصاصی است که توسط مرجع ثبت به هر شخص حقوقی داخلی اختصاص داده می شود.

ماده ۲- هر یک از انواع شرکتها تجارتي قابل تبدیل به نوع دیگر است؛ مگر به موجب صریح قوانین تبدیل شرکت ممکن نباشد.

ماده ۳- تبدیل شرکت با رعایت حسب مورد، اساسنامه یا شرکت نامه و رعایت تشریفات قانونی و تصویب رکن صلاحیت دار، انجام می شود.

ماده ۴- شرایط عمومی تبدیل شرکت، علاوه بر موارد مقرر در ماده ۳ این دستورالعمل از قرار ذیل است:

الف - تمامی سرمایه شرکت در حال تبدیل از جمله سرمایه تعهد شده به صورت کامل تادیه و ثبت شده باشد؛

ب - شرکت منع قضایی خاص برای تبدیل نداشته باشد؛

پ - شرکت در حال تصفیه نباشد؛

ت - شرکت ممنوعیت مالیاتی به دلیل بدهی یا غیرفعال بودن، نداشته باشد؛

ث - حداقل دو سال از تاریخ ثبت گذشته و حسب مورد دو ترازنامه و صورت مالی آن تصویب و به ثبت رسیده باشد؛

ج - تعداد شرکا یا سهامداران از حداقل قانونی برای وضعیت بعد از تبدیل کمتر نباشد.

ماده ۵- ثبت تبدیل شرکتها گروه (ب) به شرکتها گروه (الف) و بالعکس به اتفاق تمامی شرکا یا سهامداران با رعایت حقوق اشخاص ثالث انجام می شود.

تبصره - در ثبت تبدیل هر یک از شرکتها گروه (ج) به سایر شرکتها و بالعکس، رضایت کلیه شرکای ضامن و اکثریت شرکای غیرضامن شرط است.

ماده ۶- ثبت تبدیل شرکتها گروه (الف) به یکدیگر با حد نصابهای قانونی شرکت، از جمله مجامع عمومی و اساسنامه انجام می شود.

ماده ۷- در صورت نیاز به اخذ مجوز از دستگاههای اجرایی، این مجوزهای قانونی با رعایت ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ و مصوبات هیأت مقررات زدایی موضوع قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اصلاحی ۱۳۹۴ توسط شرکت اخذ و به مرجع ثبت شرکتها، ارائه می شود.

تبصره - ثبت تبدیل انواع شرکتها به سهامی عام و تعاونی سهامی عام با رعایت مقررات و مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار، خواهد بود.

ماده ۸ - چنانچه همراه تبدیل شرکت تغییر موضوع فعالیت نیز ضروری باشد یا درخواست شود، در صورت لزوم قانونی، باید مجوزهای ضروری از دستگاه اجرایی مربوط اخذ و ارایه شود.

ماده ۹- شرکت متقاضی تبدیل باید توسط حسابدار رسمی نسبت به تهیه گزارش کاملی از آخرین وضعیت سال مالی شرکت اقدام و آن را به مرجع ثبت ارائه کند.

ماده ۱۰- صورتجلسات و مستندات قانونی مربوط به تبدیل شرکت باید حداکثر ظرف یک ماه از اتخاذ تصمیم نهایی از طریق سامانه جامع الکترونیک ثبت شرکتها به مرجع ثبتی، ارسال شود.

ماده ۱۱- مرجع ثبت مکلف است ظرف حداکثر ۵ روز از تاریخ وصول مدارک، نسبت به ثبت تبدیل شخص حقوقی اقدام و در صورت وجود نقص در مدارک یا عدم امکان ثبت، مراتب را به متقاضی اعلام کند.

ماده ۱۲- تبدیل شرکت از تاریخ ثبت محقق می شود. مادامی که تبدیل شرکت نزد مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسیده باشد، هرگونه اقدام در قالب نوع جدید نسبت به اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۱۳- پس از ثبت تبدیل، شخصیت حقوقی شرکت با کلیه حقوق، تکالیف و تعهدات و مالکیت های مادی و فکری شرکت قبل از تبدیل و شرکت تبدیل شده ادامه می یابد.

ماده ۱۴- پس از ثبت تبدیل شرکت، در کلیه اسناد، صورت حسابها و آگهی ها در ادامه نام شرکت، نوع جدید شرکت با شناسه ملی شرکت قبل از تبدیل، قید می شود.

ثبت اسناد و املاک به شماره ۹۸/۱۰۸۲۱۱-۹۸/۱۰۸۲۱۱-۱۳۹۸/۶/۵ مبنی بر معرفی نمایندگان از جمله مدیرکل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری اشاره نمود.

چنانچه مراد اخذ مشورت برای تدوین دستورالعمل ماده ۳۶ الحاقی به نظامنامه باشد، در این مورد نیز نظر هیأت تخصصی و عمومی دیوان را به نامه شماره ۹۸/۱۵۸۷۵۲-۱۳۹۸/۸/۲۱ مدیرکل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری جلب می‌نماید که پس از تشکیل جلسه مربوط در محل آن اداره بنا بر صورتجلسه شماره ۹۸/۱۵۸۰۸۰-۱۳۹۸/۸/۲۱ مقرر گردید کارگروه تخصصی اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری نسبت به جمع‌آوری سند مطالعاتی، مستندات و تدوین پیش نویس اولیه دستورالعمل اقدامات مقتضی را به عمل آورد.

همچنین در همان صورتجلسه آمده که ملاحظات، اصول و قواعد الزام آور مد نظر هر یک از دستگاه‌ها به فراخور صلاحیت و وظایف خود در خصوص دستورالعمل تبدیل شرکتها جهت پیش نویس اولیه مطابق صورتجلسه و تصمیم متخذه در جلسه فوق‌الذکر برای اداره کل ثبت شرکتها ارسال گردید که موید دیگری بر این همکاری و اخذ نظر و مشورت با آن مرجع برای تدوین دستورالعمل یاد شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: قانونگذار در ماده ۱۳۵ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ و مواد ۵ و ۲۷۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ صرفاً تبدیل وضعیت شرکتها را تجاری تضمینی به سهامی، سهامی خاص به سهامی عام و سهامی عام را به انواع شرکتها مذکور در قانون تجارت پیش‌بینی کرده است. ثانیاً: بر اساس ماده ۹ قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب سال ۱۳۱۰، نظام نامه‌های لازم برای اجرای این قانون باید توسط وزارت عدلیه (دادگستری) تنظیم شود و این امر دلالت بر ماهیت قضایی موضوعات مرتبط با قانون مزبور دارد. ثالثاً: با تصویب لایحه قانونی اختیارات مربوط به شورای عالی قضایی مصوب سال ۱۳۵۹، کلیه وظایف وزارت دادگستری برعهده شورای عالی قضایی گذارده شد و پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز کلیه اختیارات مربوط به امور قضایی در حوزه صلاحیت رئیس قوه قضائیه قرار گرفت و مستفاد از بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان و ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب سال ۱۳۷۸ این است که امور مربوط به لوایح قضایی نیز در حوزه صلاحیت اختصاصی رئیس قوه قضائیه قرار دارد. بنا به مراتب فوق، چون تصویب‌نامه شماره ۸۸۹۱۹/۸/۷۰۴۸-۵۷۰۴۸ هیأت وزیران و دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکتها تجارتی متضمن ماهیت قضایی بوده و موضوع آنها از مصادیق موضوعات مرتبط با نظام نامه‌های موضوع ماده ۹ قانون راجع به ثبت شرکتهاست که وضع آنها در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است، بنابراین وضع آنها خارج از صلاحیت هیأت وزیران و معاون حقوقی رئیس‌جمهور است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۶۰۳

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۲۶۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «نامه شماره ۹۹/۱/۱۱۷۳۹/م/و/۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲ وزیر راه و شهرسازی مبنی بر ابلاغ اسناد طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران به لحاظ اینکه به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری نرسیده مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات است.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۱ شماره پرونده: ۹۹۰۲۶۰۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ابلاغیه شماره ۹۹/۱/۱۱۷۳۹/م/و/۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲

وزیر راه و شهرسازی با موضوع ابلاغ اسناد طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران

۳-۲ برخلاف آنچه تصور شده جواز تبدیل نوع و ماهیت یک شرکت تجاری به شرکتی دیگر نه تنها محصور و مقید به موارد مقرر در ماده ۱۳۵ قانون تجارت نیست بلکه از اطلاق و عموم مواد ۵ و ۲۸۷ لایحه شماره قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ نیز به روشنی و صراحت بر می‌آید که شرکت سهامی را می‌توان به نوعی دیگر از شرکت سهامی (حسب مورد شرکت‌های سهامی عام و خاص) و یا شرکت‌هایی دیگر از شرکت‌های شخص (مانند تضامنی و نسبی) و سرمایه (مانند با مسئولیت محدود) تبدیل کرد. چنان که تبدیل هر یک از شرکت‌های سهامی عام و خاص به شرکت‌هایی مانند تضامنی و نسبی و با مسئولیت محدود نیز ممکن و مجاز است. قاعده مقرر در ماده ۵ قانون اصلاح قانون تجارت، از حیث تبدیل شرکت‌های سهامی عام و خاص به سایر شرکتها، تکلیفی است و به علت کمتر شدن سرمایه شرکت سهامی از حداقل میزان مذکور در این قانون حسب مورد پنج و یک میلیون ریال، می‌بایست به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد. ضمانت اجرای آن نیز انحلال شرکت به حکم دادگاه و به درخواست هر ذینفعی است. با این ترتیب هنگامی که حکم قانون و به علت کاهش سرمایه تغییر نوع شرکت و تبدیل آن، الزامی است به طریق اولی آزادی اراده شرکا و سهامداران برای تبدیل یک شرکت به نوعی دیگر از آن، به اعتبار قاعده مقرر در ماده ۱۰ قانون مدنی و ماهیت قراردادی شرکت جایز و قانونی است.

۳-۳ مستند دیگر قانونی ماده ۲۹۷ قانون اصلاح قانون تجارت سال ۱۳۴۷ است که جواز و اباحه تبدیل یک شرکت سهامی به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ را به طور مطلق و عام پذیرفته است و تنها مقرر داشته که اگر برای این تبدیل، دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشد، رئیس و اعضای هیأت مدیره آن شرکت باید به دعوت و تسلیم اسناد مزبور مبادرت نمایند. در غیراین صورت مسئولیت کیفری و مدنی خواهند داشت.

۳-۴ افزون بر آنچه گفته شد، ادغام شرکت‌های تجاری نیز استدلال بالا را تقویت و تأیید می‌کند، زیرا ادغام یا ترکیب شرکتها در شرکت موجود یا با تأسیس شرکت جدید، یکی از جهات و انواع تبدیل شرکت به شرکتی دیگر است. در این خصوص توجه به ماده ۱۱۱ اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص اصل ادغام و ترکیب شرکتها یا ایجاد شرکت جدید و چگونگی شمول مقررات مالیاتی، درخور اهمیتی بسزا است، به ویژه مفاد صدر ماده ۱۱۱ قانون یاد شده و بندهای (الف) و (ب) آن به سهولت و روشنی این نتیجه و برآمد را به دست می‌دهد که می‌توان دو شرکت بازرگانی را از هر نوعی که باشند، با حفظ شخصیت حقوقی یکی از آن دو شرکت و یا با تأسیس شرکت جدیدی، در هم ادغام و ترکیب کرد. خواه یک یا همه شرکت‌هایی که ادغام و ترکیب شده‌اند یا در شرکت جدید تازه تأسیسی وارد گشته‌اند، حسب مورد و به تناسب از نوع شرکت‌های شخص یا شرکت‌های سرمایه.

۳-۵ - با عنایت به وجود اصل اباحه در روابط اشخاص خصوصی (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی)، استدلال‌هایی از قبیل شکل‌گرایی در حقوق شرکتها مردود است، چرا که در کنار اصل فوق، فرمالیسم ناظر به شیوه اعلام اراده اشخاص است نه وضعیت قانونی تبدیل آن در نتیجه همین که اراده شرکت تجاری مبنی بر تبدیل قالب آن شرکت از طریق ارکان ذی صلاح آن، مثل مجمع عمومی اعلام شود، امکان ثبت از جانب نهادهای ذی صلاح ثبتی را دارد، مگر اینکه صراحت قانونی مبنی بر منع وجود داشته باشد.

۳-۶ - قطع نظر از موارد و مستندات قانونی یاد شده که هر یک به تنهایی بر جواز و اباحه تبدیل نوع شرکتی به شرکتی دیگر کافی است، رویه اداره ثبت شرکتها در تمام سالهای پیشین یعنی در طول حدوداً بیش از ۸۰ سال نیز بر همین موال بوده که تبدیل هر یک از شرکت‌های شخص به سرمایه و بر عکس آن و همچنین تبدیل هر یک از شرکت‌های شخص و سرمایه در درون آن طبقه را مجاز می‌دانسته و به ثبت آن نیز اقدام می‌کرده است، در واقع در طول حدوداً ۸۰ سال از مفاد قوانین تجارت و ثبت شرکتها و مقررات آن نیز همین برداشت را داشته و این گونه می‌فهمیده که امکان تبدیل هر یک از انواع شرکت به نوع دیگری از آن مطابق با قاعده است و امری استثنایی و خلاف قاعده نیست.

بر اساس مطالب فوق و نظر به اینکه مبانی حقوقی نظام شرکت‌های تجاری ایران، علی‌الاصول ثبت تبدیل قالب کلیه شرکت‌های تجاری به یکدیگر را مجاز می‌داند بر این مبنا مصوبه صدرالذکر همسو با احکام قانونی یاد شده و در جهت رفع مشکلات کشور وضع گردیده است و به هیچ وجه مغایرتی با اصل ۸۵ قانون اساسی ندارد. همچنین در دادخواست سازمان ثبت بیان شده که در تصویب مقرر فوق نظر اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری اخذ نشده که این اظهار کاملاً نادرست است. زیرا در صورتی که این ادعا در خصوص الحاق ماده ۳۶ به نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکت باشد، مکاتبات بین سازمان ثبت و معاونت حقوقی از این حیث درخور توجه است. برای نمونه می‌توان به دعوتنامه تشکیل جلسه شماره ۳۳۹۹۲/۶۷۳۵۶-۱۳۹۸/۶/۲ این معاونت و پاسخ سازمان

قرار دارد. هرگونه اقدام در خصوص تقلیل رده یا تغییر محدوده باید رسماً به سپاه ابلاغ شود... با عنایت به مراتب فوق تناقض در اظهارات مسئولین امنیتی کشور مشهود است.

ج - عدم لحاظ ملاحظات فرهنگی، تاریخی و میراثی در طرح بازنگری محله جماران: در راستای بررسی مسائل فرهنگی، تاریخی و میراثی محله جماران، نیز وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی طی نامه شماره ۱۳۷۳۶/۱۱۳۱/م/خ - ۱۳۹۹/۵/۱ به وزیر راه و شهرسازی (رئیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) اعلام نموده است: «صرفاً عرصه و حریم بلافاصله بیت امام خمینی (ره) و حسینیه جماران که در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۵ به شماره ۱۸۵۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است و هم اکنون در مالکیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد، بقیه پهنه در محدوده ثبتی آثار ملی قرار ندارند.» این در حالی است که در مفاد بند (د) ماده ۱۶۶ قانون برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً به حفظ بافت قدیمی و سنتی منطقه جماران و تبدیل آن به مجموعه‌ای فرهنگی و خدماتی برای زائران و گردشگران داخلی و خارجی، اشاره شده است و از طرفی این محدوده بخش قابل توجهی از خاطرات ناب دوران انقلاب اسلامی را برای ملت ایران و سراسر جهان در خود داشته و حفظ نموده است و ارزش والای فرهنگی، تاریخی و میراثی محله جماران و لزوم حفاظت از آن به عنوان بخشی از تاریخ زنده انقلاب اسلامی امام راحل (ره) واقعیتی غیرقابل انکار است.

۴- با عنایت به مطالب فوق با وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکاتبه گردیده که نامبرده در پاسخ طی نامه شماره ۱۳۷۳۶/۱۱۳۱/م/خ - ۱۳۹۹/۸/۱۰ در اظهار نظری مبهم و متناقض با نامه شماره ۱۳۷۳۶/۱۱۳۱/م/خ - ۱۳۹۹/۵/۱ اعلام داشته است: «بلاغ (طرح ویژه ساماندهی محله جماران) (مصوب سال ۱۳۸۰ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) و افزایش محدوده ثبتی اثر در سال ۱۳۸۰، عملاً ضوابط مورد نظر این وزارت برای حفاظت از عرصه و حریم بیت شریف امام خمینی (ره) و حسینیه جماران را مد نظر قرار داده و اعمال محدودیت‌های بیشتر از طرح ویژه خارج از نظریه کارشناسی این وزارت می‌باشد.» بنا بر اظهار نظر فوق صیانت از ارزش‌های تاریخی و میراثی محدوده مصوب سال ۱۳۸۰ کماکان مد نظر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بوده و لذا هرگونه تغییر در محدوده و ضوابط ارتفاعی طرح مذکور برخلاف نظر صریح وزارت مذکور بوده و واجد اشکال قانونی می‌باشد.

۵ - متعاقب آن طی مکاتبات شماره ۲۳۵۰۸۵ - ۱۳۹۹/۸/۲۸ و ۲۴۵۳۱۱ - ۱۳۹۹/۹/۹ به وزیر راه و شهرسازی اعلام گردید، پیش از ابلاغ طرح تفصیلی محله جماران، موضوع در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بررسی و متعاقباً اتخاذ تصمیم شود، لیکن علی رغم ارسال مکاتبات مذکور تاکنون پاسخی از سوی وزارت مذکور به بازرسی امور راه و شهرسازی واصل نشده است.

۶ - با توجه به مطالب پیش گفته در تصویب و ابلاغ طرح تدقیق شده بازنگری محله جماران ایراداتی قانونی به شرح زیر مشاهده می‌شود:

الف - بر اساس مفاد ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۷۸، طرح‌های ویژه می‌بایست به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد. این در حالی است که شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، برخلاف آیین‌نامه فوق، اختیارات خود را به دبیرخانه شورای عالی تفویض و مقرر نمود، طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران به شرح هر پلاک توسط مشاور ذیصلاح تهیه و توسط دبیرخانه شورای عالی جهت اجرا به شهرداری ابلاغ شود (بند ۲ مصوبه شماره ۱۱۸۹۷۰/م/و/۹۹ - ۱۳۹۹/۷/۸ شورای عالی) متعاقب آن و بدون بررسی و تصویب طرح تهیه شده توسط مشاور در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، طرح مذکور جهت اجرا به شهرداری ابلاغ شده است.

ب - عدم لحاظ ملاحظات امنیتی و حفاظتی در طرح بازنگری محله جماران: در راستای بازنگری طرح مذکور و به منظور لحاظ مسایل امنیتی و حفاظتی محله جماران، معاون امنیتی و انتظامی و دبیر شورای امنیت کشور طی نامه‌های شماره ۱۹۱۲۹/م - ۱۳۹۹/۴/۲۶ و شماره ۲۵۷۹۵/م - ۱۳۹۹/۵/۲۹ اعلام نموده است: «این محدوده (جماران) در زمان حیات حضرت امام خمینی (ره) دارای رده حفاظتی حیاتی بوده است و بعد از رحلت ایشان مصوبه‌ای در شورای امنیت کشور جهت تعیین رده حفاظتی برای منطقه مذکور وجود نداشته و همچنین در مصوبه جلسه ۶۹۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۹ شورای عالی امنیت ملی برای این منطقه رده حفاظتی تعیین نشده است و فاقد رده می‌باشد. طبق مصوبه جلسه ۶۹۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۹ شورای عالی امنیت ملی محل یاد شده (محله جماران) فاقد رده حفاظتی می‌باشد. شایان ذکر است در حال حاضر هرگونه اقدام در زمینه حفاظت و تعیین حریم امکان و تأسیسات کشور بر اساس مصوبه مذکور انجام می‌گیرد.»

این در حالی است که جانشین سپاه حفاظت انصارالمهدی (عج) در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۳ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بیان داشته است: «مسئول امنیت تهران قرارگاه ثارالله است و توسط این قرارگاه مسائل امنیتی پایتخت تمهید می‌شود. از زمان حضور حضرت امام تا سال ۱۳۹۵ محدوده جماران با رده حیاتی تحت حفاظت سپاه بوده است. براساس آخرین ابلاغ در سال ۱۳۹۵ محدوده مذکور با رده حفاظت حساس تحت حفاظت

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

” جناب دکتر حناچی

شهردار محترم تهران

موضوع: ابلاغ اسناد طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران

با سلام و احترام

در اجرای بند ۲ مصوبه جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۹/۶/۳۱ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران موضوع طرح بهسازی بافت پیرامون بیت و حسینیه امام خمینی (ره) در

**گردش کار:** معاون حقوقی، امور مجلس و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۳۰۰/۲۶۹۹۸۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳ اعلام کرده است که: ” احتراماً ابلاغیه شماره ۱/۱۱۷۳۹/م/و/۹۹ - ۱۳۹۹/۹/۲ وزیر راه و شهرسازی در این سازمان از جهت انطباق با قانون مورد بررسی قرار گرفت که توجه جنابعالی را به مطالب زیر معطوف می‌دارد:

۱- محله جماران تهران یکی از محله‌های ارزشمند فرهنگی و تاریخی شهر تهران می‌باشد. معابر منتهی به بیت امام (ره) و بافت پیرامون آن در سال‌های متمادی مکان رویدادی بوده است که بخش قابل توجهی از خاطرات ناب انقلاب اسلامی را برای ملت ایران و سراسر جهان در خود داشته و حفظ نموده است. مجموعه حسینیه جماران و بیت شریف حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۵ طی دو پرونده ثبتی مجزا به شماره‌های ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. محدوده ثبتی این دو اثر تاریخی و فرهنگی انقلاب اسلامی در زمان ثبت اثر محدود به معبر منتهی به حسینیه جماران، صحن حسینیه، دفتر کار یادگار امام (مرحوم حاج احمدآقا) و منزل همسر گرامی امام (ره) بوده است.

۲- حسب بررسی‌ها مشاهده گردیده است، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۸۰ در راستای اجرای بند (د) ماده قانونی فوق و به منظور حفظ بافت قدیمی و سنتی محله جماران (محدوده منتهی به بیت و حسینیه حضرت امام خمینی (ره) و حریم بناهای واجد ارزش تاریخی به عنوان بخشی از تاریخ زنده انقلاب اسلامی، اقدام به تصویب و ابلاغ «طرح ویژه ساماندهی محله جماران» نمود. بر اساس طرح مذکور، محدوده بیمارستان بقیه ا... بیمارستان جماران، باغ خسروشاهی و سرای محله جماران که در حریم آثار ملی ثبت شده در سال ۱۳۷۶ (آثار ملی شماره ثبتی ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴) قرار داشته، به محدوده ثبتی مذکور افزوده شده و برای کنترل ساخت و ساز در مابقی محدوده محله جماران نیز ضوابط و محدودیت‌های ارتفاعی منظور شده است. در ماه‌های گذشته تخلف ساخت و سازهای محله جماران (خصوصاً تخلفات ساختمان منتسب به نهاد ریاست جمهوری) در رسانه‌های کشور بازتاب گسترده‌ای داشته و متعاقب فشار افراد و درخواست ساکنان این محله موضوع بازنگری طرح ویژه محله جماران مصوب سال ۱۳۸۰ در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مطرح گردید و در نهایت «طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران» طی نامه شماره ۱/۱۱۷۳۹/م/و/۹۹ - ۱۳۹۹/۹/۲ جهت اجرا به شهرداری تهران ابلاغ گردید.

۳- در فرایند بررسی، تصویب و ابلاغ طرح بازنگری مذکور سوء جریاناتی به شرح ذیل مشاهده گردیده است:

الف - عدم تصویب طرح مذکور در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران: بر اساس مفاد ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۷۸، طرح‌های ویژه می‌بایست به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد. این در حالی است که شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، برخلاف آیین‌نامه فوق، اختیارات خود را به دبیرخانه شورای عالی تفویض و مقرر نمود، طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران به شرح هر پلاک توسط مشاور ذیصلاح تهیه و توسط دبیرخانه شورای عالی جهت اجرا به شهرداری ابلاغ شود (بند ۲ مصوبه شماره ۱۱۸۹۷۰/م/و/۹۹ - ۱۳۹۹/۷/۸ شورای عالی) متعاقب آن و بدون بررسی و تصویب طرح تهیه شده توسط مشاور در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، طرح مذکور جهت اجرا به شهرداری ابلاغ شده است.

ب - عدم لحاظ ملاحظات امنیتی و حفاظتی در طرح بازنگری محله جماران: در راستای بازنگری طرح مذکور و به منظور لحاظ مسایل امنیتی و حفاظتی محله جماران، معاون امنیتی و انتظامی و دبیر شورای امنیت کشور طی نامه‌های شماره ۱۹۱۲۹/م - ۱۳۹۹/۴/۲۶ و شماره ۲۵۷۹۵/م - ۱۳۹۹/۵/۲۹ اعلام نموده است: «این محدوده (جماران) در زمان حیات حضرت امام خمینی (ره) دارای رده حفاظتی حیاتی بوده است و بعد از رحلت ایشان مصوبه‌ای در شورای امنیت کشور جهت تعیین رده حفاظتی برای منطقه مذکور وجود نداشته و همچنین در مصوبه جلسه ۶۹۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۹ شورای عالی امنیت ملی برای این منطقه رده حفاظتی تعیین نشده است و فاقد رده می‌باشد. طبق مصوبه جلسه ۶۹۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۹ شورای عالی امنیت ملی محل یاد شده (محله جماران) فاقد رده حفاظتی می‌باشد. شایان ذکر است در حال حاضر هرگونه اقدام در زمینه حفاظت و تعیین حریم امکان و تأسیسات کشور بر اساس مصوبه مذکور انجام می‌گیرد.» این در حالی است که جانشین سپاه حفاظت انصارالمهدی (عج) در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۳ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بیان داشته است: «مسئول امنیت تهران قرارگاه ثارالله است و توسط این قرارگاه مسائل امنیتی پایتخت تمهید می‌شود. از زمان حضور حضرت امام تا سال ۱۳۹۵ محدوده جماران با رده حیاتی تحت حفاظت سپاه بوده است. براساس آخرین ابلاغ در سال ۱۳۹۵ محدوده مذکور با رده حفاظت حساس تحت حفاظت



محلّه جماران تهیه شده است، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. همچنین لازم می‌داند با عنایت به اهمیت موضوع بر موارد زیر تأکید نماید:

- ۱- بیت امام خمینی (ره) و حسینیه و بناهای منظور در محدوده ثبت اثر ملی به صورت موکد تثبیت می‌گردد.
- ۲- حفاظت از باغ‌های سزاوار و خسروشاهی و بهره‌برداری از آن در قالب فضای سبز متصل به اثر ثبتی فوق انجام پذیرد.
- ۳- به جهت ضرورت حفاظت و صیانت از بافت سنتی و قدیمی محدوده جماران، پوسته محور حسنی کیا به عنوان اصلی‌ترین مسیر دسترسی به بیت و حسینیه امام خمینی (ره) شهرداری تهران طرح بهسازی معبر حسنی کیا را بر اساس پیشنهادهای این طرح در اولویت اجرا قرار دهد.
- ۴- پیرو تکلیف مقرر در بند ۱۰ مصوبه ۱۳۸۰/۳/۲۸ شورای عالی شهرسازی تهران موظف است دسترسی بیمارستان جنب بیت امام (ره) را به خیابان شهید حسن پور حداکثر ظرف مدت ۴ ماه تأمین نماید.
- ۵- در اجرای تکلیف مقرر در ماده ۱۶۶ قانون برنامه سوم توسعه کشور، شهرداری تهران با همکاری شرکت بازآفرینی شهری ایران موظف است در جهت مساعدت به مالکین پلاکهای ریزدانه (با مساحت کمتر از ۳۰۰ مترمربع) واقع در حوزه دوم حسنی کیا (حوزه B) مابه التفاوت حق انتقال توسعه را با فرض تراکم ۲۴۰ درصد تأمین و جبران نماید.
- ۶- ضوابط ارتفاعی طرح پیوست در انطباق با آخرین اعلام نظر وزارت کشور (نامه شماره ۱۹۱۲۹-۱۳۹۹/۴/۲۶ و نامه شماره ۲۵۷۹۵-۱۳۹۹/۵/۲۹) و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (نامه ۱۳۹۹/۵/۰۱-م/خ) حد نهایی طبقات مجاز قابل احداث در محدوده طرح است و کمیسیون ماده ۵ مجاز به تغییر تعداد طبقات و تراز ارتفاعی پلاکهای محدوده طرح نخواهد بود. بدیهی است در صورت هرگونه تغییر در ملاحظات حفاظتی - امنیتی و مایماری، ملاحظات جدید در طرح اعمال و ابلاغ خواهد شد.
- ۷- اسناد ابلاغی طرح مشتمل بر موارد زیر می‌باشد:

مقاطع و جزئیات اجرایی مربوط به بهسازی معبر حسنی کیا  
نقشه معرفی انواع پلاک‌های واقع در محدوده طرح  
تراکم ساختمانی (خط آسمان پلاک‌ها در کل محدوده طرح)

الگوی نحوه توده‌گذاری در انواع پلاک‌ها و تراکم مجاز برای هر پلاک و به تفکیک طبقات نسبت به معابر پیرامونی - رئیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران"  
در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت راه و شهرسازی به موجب لایحه شماره ۱۳/۱۷۱۱۲/م/۹۹ توضیح داده است که:

۱- وضع هرگونه ضوابط در حوزه شهرسازی موجب افزایش قیمت برخی از املاک و یا کاهش قیمت آنها می‌گردد و افزایش قیمت املاک در قالب اخذ عوارض حق مرغوبیت و یا حق تشرف از طریق شهرداری وصول می‌گردد و بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ اخذ آن را تجویز نموده است و قبل از تصویب مقررات مذکور هم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس آراء شماره ۹۲-۱۳۷۶/۷/۱۲ و شماره ۱۰۵-۱۳۷۴/۷/۱۱ وصول آن را منطبق با مقررات اعلام نموده است. در مورد کاهش قیمت املاک که با اجرای طرح‌های شهری حادث می‌شود عملاً حقوق مالکین تادیبه نمی‌گردد. لذا برای ترغیب مالکین برای همکاری در اجرای طرح‌های شهری مخصوصاً اماکن و املاک با ارزش تاریخی، حقوق مالکین در قالب حق توسعه (TDR) باید تادیبه شود و این موضوع در بند ۱۳ سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندی‌سازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۸۶۰/۷۴۹۰۰-۱۳۹۳/۷/۲ هیأت وزیران مورد توجه واقع شده است. هنوز ساز و کار اجرای حق توسعه (TDR) فراهم نگردیده و با اجرای آن مالکین واقع در طرح‌های شهری ضمن حفظ مالکیت خود، بر اساس مساحت ملک خود حق توسعه در قالب زمین‌های دولتی و سایر امتیازات دریافت می‌نمایند. چون حق توسعه مالکین واقع در محلّه جماران پس از گذشت سالیان متمادی تادیبه نگردیده و این امر موجب اعتراضات عمومی آنها شده در حال حاضر ملاحظات حفاظتی و امنیتی نیز منتفی گردیده لذا ایرادی به مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در مورد حذف محدودیت ساخت و ساز در طبقات بیشتر وجود ندارد.

۲- برخلاف ادعای سازمان بازرسی کل کشور وضع محدودیت ساخت و ساز در محلّه جماران صرفاً تصمیم وزیر راه و شهرسازی نیست و یا برخلاف ادعای شورای مذکور (شورای عالی معماری و شهرسازی) رفع محدودیت ساخت و ساز را به وزیر راه و شهرسازی تفویض نموده است بلکه این تصمیم مربوط به خود شورای مذکور می‌باشد که در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۶/۳۱ اتخاذ گردیده و طی نامه شماره ۹۹/۴/۸۹۷۰-۱۳۹۹/۷/۸ وزیر و رئیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به کلیه دستگاه‌های

توقف اجرای ابلاغ وزیر راه و شهرسازی در واقع توقف اجرای مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌باشد و دستور موقت خیلی عجولانه و بدون بررسی سوابق صادر گردیده و لازم می‌بود قبل از صدور دستور موقت توضیحات لازم از این وزارتخانه اخذ می‌گردید و متأسفانه سازمان بازرسی کل کشور درخواست ابطال ابلاغ وزارتخانه را به صورت نامه محرمانه تسلیم دیوان نموده و صرف نظر اینکه شکایت محرمانه جایگاه قانونی ندارد متأسفانه در مدتی کمتر از یک هفته از تاریخ ارجاع شکایت، دستور موقت صادر شده است و در مورد تعجیل در صدور دستور موقت و عدم توجه به سوابق موضوع مفاد دستور موقت قابل توجه است که در آن قید شده است. (دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی رأی معترض‌عنه تا پایان رسیدگی) صادر می‌شود و این قسمت از دستور موقت نشان می‌دهد که قاضی صادرکننده دستور از فرمهای کلیشه‌ای که مربوط به اعتراض به آراء کمیسیون‌های شبه قضایی از قبیل هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و یا کارگری و نظایر آن استفاده نموده زیرا اساساً رأی از این وزارتخانه صادر نشده است تا آن طوری که در دستور موقت قید شده است (توقف عملیات اجرایی رأی معترض‌عنه) موضوعیت داشته باشد.

با توجه به مراتب از آنجا که رفع محدودیت ساخت و ساز در محلّه جماران که خارج از محدودیت ثبت آثار ملی است به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسیده است و در صدور دستور موقت این مهم مورد توجه واقع نشده و توقف اجرای آن موجب ناراضی مالکین بوده و در قریب مدت بیش از ۴۰ سال از اعمال حقوق مالکانه خود محروم شده‌اند لذا تقاضا دارد در اجرای ماده ۴۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به لغو دستور موقت اقدام لازم معمول گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۲ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرحهای توسعه و عمرانی محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی مصوب سال ۱۳۷۸، بازنگری در طرحهای موضوع موازین مذکور باید به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری برسد و با توجه به اینکه طرح بازنگری محدوده محلّه جماران به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری نرسیده است، لذا ابلاغیه شماره ۱۳۹۹/۹/۲ مورخ ۹۹/۷/۱۱۷۳۹/م/۱۱۷۳۹ وزیر راه و شهرسازی با موضوع ابلاغ اسناد طرح تدقیق شده بازنگری محدوده جماران مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۱۷۸

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۳ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «چنانچه مفاد ماده ۲۰ آیین‌نامه تنظیم امور نمایندگی بیمه در قرارداد بین شرکت بیمه و نماینده منعکس و یا به نحوی التزام نماینده به مفاد ماده مزبور احراز شود، ماهیت رأی هیأت مزبور، همان ماهیت رأی داور بوده و دارای احکام آن است که رسیدگی به اعتراض نسبت به آن در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری نیست.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - پدالله اسمعیلی‌فرد

ملزم بوده که عملیات رسیدگی را تا صدور حکم نهایی از مرجع قضایی متوقف نماید لذا قصوری از طرف هیأت صورت نگرفته، شکایت کی را موجه ندانسته مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید.

رای مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۴۰۲۸۲۹-۱۳۹۶/۱۰/۱۱ صادر شده از شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۲۹ بدوی دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست شرکت بیمه البرز به خواسته اعتراض به رأی هیأت رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه و به طرفیت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۰۹۵۵۴۲-۱۳۹۸/۱۱/۱۵ ضمن ورود به ماهیت دعوا و عدم ایراد به صلاحیت، به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است:

نظر به اینکه آنچه موضوع شکایت است رأی هیأت رسیدگی به اختلافات بیمه و نماینده است نه نظریه داور، لذا ایراد صلاحیت وارد نیست از طرفی رأی صادره به جهت عدم پرداخت کارمزد مربوط به بیمه‌نامه‌های صادره بوده است که حسب اظهارات متن شکایت به داور مرضی الطرفین ارجاع داده است که در جهت حل اختلاف فیما بین ارجاع به داورى تخلف نمی‌باشد لذا مستفاد از مواد ۱۰ و ۱۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت وی صادر و اعلام می‌گردد.

رای مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۹۹۰۱۵۱۳-۱۳۹۹/۵/۱۹ صادر شده از شعبه ۲۹ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - هرچند براساس بند ۵ ماده ۱۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، یکی از وظایف شورای عالی بیمه تصویب آیین‌نامه‌های لازم برای هدایت امر بیمه و فعالیت مؤسسات بیمه است و شورای مذکور به موجب ماده ۲۰ آیین‌نامه شماره ۷۵ موضوع تنظیم امور نمایندگی بیمه مصوب ۱۳۹۱/۶/۶ و به منظور رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه در رابطه با مقررات آیین‌نامه یادشده و قرارداد نمایندگی منعقد، به تشکیل هیأت رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه اقدام کرده است، ولی با توجه به اینکه از بند ۵ ماده ۱۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری جواز تشکیل مرجع اختصاصی اداری مستفاد نمی‌شود و هیأت مزبور از جمله هیأت‌هایی نیست که به موجب قانون ایجاد شده باشد، بنابراین از جمله مراجع اختصاصی اداری موضوع بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شود تا شعب دیوان عدالت اداری برای رسیدگی به اعتراضات مطروحه نسبت به آراء و تصمیمات هیأت یادشده صلاحیت داشته باشند. همچنین بر مبنای ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، هر یک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داور کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد و در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست مزبور رسیدگی کند. بنا به مراتب فوق، چنانچه مفاد ماده ۲۰ آیین‌نامه تنظیم امور نمایندگی بیمه در قرارداد بین شرکت بیمه و نماینده منعکس و یا به نحوی التزام نماینده به مفاد ماده مزبور احراز شود، ماهیت رأی هیأت مزبور، همان ماهیت رأی داور بوده و دارای احکام آن است که با عنایت به مفاد ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به اعتراض نسبت به آن در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری نیست و با توجه به حکم مقرر در ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است و در نتیجه رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۰۳۳۰ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ صادره از شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری که به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۴۰۳۱۱۲ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲ شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده و همچنین رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۳۷۷۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ صادره از شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که به عدم صلاحیت شعبه دیوان عدالت اداری در رسیدگی به موضوع خواسته رأی صادر کرده‌اند، صحیح و منطبق با مقررات تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۲-۲۱۷۳

شماره پرونده: ۹۹۰۲۱۷۸ - ۹۹۰۲۱۳۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: شعب دیوان عدالت اداری در خصوص موضوع صلاحیت یا عدم صلاحیت این شعب در رسیدگی به دادخواست اشخاص به خواسته اعتراض به آراء هیأت رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه، آراء متعارضی صادر کرده‌اند. برخی شعب مستند به نظریه مشورتی ۷/۹۳/۹۲۸-۱۳۹۳/۴/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه و مستند به اینکه آراء صادره از هیأت‌های مذکور ماهیت داورى دارد و مشمول احکام مربوط است و صلاحیت موضوع بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به مراجع قضایی است و مراجعی که از طریق داورى اقدام به حل و فصل اختلافات می‌نمایند از شمول آن خارج می‌باشند و به موجب ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی اعتراض به رأی داور در صلاحیت دادگاه عمومی است، قرار رد شکایت یا قرار عدم صلاحیت صادر نموده‌اند و برخی شعب دیگر مستند به اینکه آنچه موضوع شکایت است رأی هیأت رسیدگی به اختلافات شرکت بیمه و نماینده است نه نظریه داورى، لذا ایراد صلاحیت وارد نیست، وارد رسیدگی ماهوی شده و آراء صادره از هیأت مذکور را ابرام نموده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست خانم شیوا حاتمی به طرفیت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به خواسته اعتراض به رأی هیأت رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۵۰۰۳۳۰-۱۳۹۶/۲/۱۹ به شرح زیر قرار به رد شکایت و عدم صلاحیت شعبه دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته فوق صادر کرده است:

با توجه به محتویات پرونده و اسناد ابرازی و لایحه دفاعیه اداره طرف شکایت و اینکه هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۱۲۱ آیین‌نامه رسیدگی به اختلافات شرکت بیمه و نمایندگی بیمه در حکم رأی داورى بوده و از شمول ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خارج است قرار رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

رای مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۴۰۳۱۱۲-۱۳۹۶/۱۱/۲ صادر شده از شعبه ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای رضا نامی فرد به طرفیت هیأت رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه و به خواسته اعتراض به رأی هیأت مذکور، ضمن نقض دادنامه شماره ۱۵۴۶-۱۳۹۸/۶/۵ صادر شده از شعبه ۴۵ بدوی به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۳۷۷۷-۱۳۹۸/۱۲/۲۱ به شرح زیر قرار عدم صلاحیت شعبه دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته فوق صادر کرده است:

نظر به اینکه مفاد ماده ۲۱ آیین‌نامه تنظیم امور نمایندگی بیمه (جایگزینی ماده ۲۰ آیین‌نامه قبلی) در قرارداد بین شرکت بیمه مربوط و تجدیدنظرخواه (نماینده) منعکس شده است، همچنان که در نظر مشورتی ۷/۹۳/۹۲۸-۱۳۹۳/۴/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه آمده است، رأی هیأت موضوع این ماده به لحاظ حل اختلاف مبنی بر توافق و الزام آور بودن ماهیت داورى دارد و مشمول احکام مربوط است و از آنجا که صلاحیت موضوع بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ناظر به مراجع قضائوتی است و مراجعی که از طریق داورى اقدام به حل و فصل اختلافات می‌نمایند از شمول آن خارج می‌باشند و با توجه به اینکه به موجب ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی اعتراض به رأی داور در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است، این شعبه خود را صالح به رسیدگی ندانسته، مستنداً به مواد ۴۸ و ۷۲ و ۷۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی (حقوقی) تهران صادر و اعلام می‌گردد.

ج: شعبه ۵۲ بدوی دیوان عدالت اداری در خصوص دادخواست آقای حسن خدایارپور به طرفیت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به خواسته اعتراض به رأی هیأت رسیدگی به اختلافات نماینده و شرکت بیمه به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۷۷۰۰۱۱۰-۱۳۹۵/۱۲/۲۱، ضمن ورود به ماهیت دعوا به شرح زیر رأی به رد شکایت صادر کرده است:

با توجه به اینکه شاکی هیچ‌گونه دلیل موجهی که رد دلایل و مستندات مبسوط خوانده در لایحه دفاعیه را اثبات نماید ارائه ننموده ضمن آن که با توجه به دفاعیات موجه خوانده در رد دعوی شاکی از جمله اینکه شرکت بیمه گر (بیمه درمان) شکایت کیفری علیه شاکی فعلی پرونده مطرح که در حال رسیدگی می‌باشد هیأت رسیدگی به تخلف بین نماینده و شرکت بیمه وفق مواد ۲۰ و ۲۱ آیین‌نامه شماره ۷۵ شورای عالی بیمه



شماره ۰۰۰۰۰۱۷

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبریور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه  
۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۴ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «بند ۸ تعرفه عوارض شهرداری  
محلات در سال ۱۳۹۹ که تحت عنوان عوارض تأمین و احداث پارکینگ طبق ضوابط و  
مقررات طرح تفصیلی به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده است از تاریخ تصویب  
ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.  
مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۴ شماره پرونده: ۰۰۰۰۰۱۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم سیده ونوس عرب

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۸ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹ تحت  
عنوان عوارض تأمین و احداث پارکینگ طبق ضوابط و مقررات طرح تفصیلی مصوب  
شورای اسلامی شهر محلات

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۸ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۹  
تحت عنوان عوارض تأمین و احداث پارکینگ طبق ضوابط و مقررات طرح تفصیلی مصوب  
شورای اسلامی شهر محلات را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً با توجه به اینکه شورای اسلامی شهر محلات از آرای متعدد هیأت عمومی  
دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال عوارض حذف، کسر، تأمین واحداث پارکینگ که  
در خصوص شوراهای اسلامی شهرهای مختلف صادر شده و در مکاتبات وزارت کشور و  
استانداری با شورای اسلامی شهر محلات به صراحت از تصویب عوارض مشابه آن منع  
گردیده است، استنکاف نموده و در هر سال صرفاً با تغییر عنوان آن عوارضی مانند عوارض  
حذف، عوارض کسر، عوارض تأمین، عوارض احداث و یا بهای خدمات تأمین و احداث  
پارکینگ نسبت به تصویب و مطالبه این عوارض از شهروندان اقدام نموده است و با توجه  
به اینکه مصوبه تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ احداث پارکینگ شورای شهر محلات طی  
دادنامه شماره ۱۱۸۷ - ۱۳۹۹/۱۰/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده و  
مجدداً این عوارض برای سال ۱۳۹۹ توسط شورای شهر محلات صرفاً با یک تغییر عنوان  
با نام عوارض تأمین و احداث پارکینگ به تصویب رسیده است. با توجه به عدم تسری رأی  
ابطال مصوبه سال ۱۳۹۸ شورای شهر محلات به تاریخ تصویب آن موجب بلاوجه و بلاثر  
شدن این رأی و همچنین موجب تضییع مداوم حقوق شهروندان محلاتی که از لحاظ  
فنی و ضوابط قانونی امکان احداث پارکینگ را دارا نمی‌باشند گردیده، تقاضای ابطال  
تعرفه شماره ۸ عوارض سال ۱۳۹۹ شهرداری محلات را از تاریخ تصویب آن و با اعمال  
ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را دارم."

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای  
شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۷ - ۶ تا ۹ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱  
ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

" با توجه به اینکه قانونگذار در خصوص عدم رعایت تأمین کسری پارکینگ به شرح  
تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اصلاحی سال ۱۳۵۸ تعیین تکلیف کرده است و  
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعدد صادره مصوبات شوراهای اسلامی  
شهرهای مختلف مربوط به اخذ عوارض به لحاظ کسری یا عدم تأمین پارکینگ را ابطال  
کرده است، بنابراین با لحاظ قانون مذکور و استدلالهای مصرح در آراء مورد نظر هیأت  
عمومی، وضع عوارض در مورد عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن خلاف هدف و حکم  
مقنن و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع می‌باشد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
طبق بند (و) آراء شماره ۱۴۷۷ الی ۱۴۸۱ - ۱۳۸۶/۱۲/۱۲، ۷۷۰ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸،  
۹۱۱۰۰۹۰۹۰۵۸۰۰۷۷۰ - ۹۱۱۰۰۹۰۹۰۵۸۰۰۷۷۰ الی ۹۷ و ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ مصوبات مشابه  
تعدادی از شوراهای اسلامی شهرها از جمله تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شهر محلات را  
مبنی بر اخذ عوارض به لحاظ کسری پارکینگ یا عدم تأمین آن را ابطال کرده است که  
صرفاً با تغییر عنوان برای سال ۱۳۹۹ مجدداً تصویب شده است."

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

۸ - عنوان: عوارض تأمین و احداث پارکینگ طبق ضوابط و مقررات طرح تفصیلی

تبصره ۱: کلیه مالکین موظفند بر اساس ضوابط شهرسازی برای احداث زیربنای  
خود نسبت به احداث پارکینگ مورد نیاز اقدام نمایند.

تبصره ۲: در مواردی که به تشخیص شهرداری امکان احداث پارکینگ مقدر  
نمی‌باشد (موارد شش گانه ذیل) به منظور تأمین پارکینگ عمومی سطح شهر که مالکین  
بتوانند از آنها استفاده نمایند. به استناد بند ۲ ماده ۲۹ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها مصوب  
۱۳۴۶/۴/۱۲ با اصلاحات بعدی و ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض  
مصوب ۱۳۸۷/۷/۷ این عوارض تصویب می‌گردد تا برای احداث پارکینگ عمومی سطح  
شهر به عنوان (عوارض اختصاصی) وصول و هزینه گردد.

۱- ساختمان، در فاصله پنجاه متری تقاطع خیابان‌های به عرض ۲۰ متر و بیشتر  
واقع شده و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

۲- ساختمان، در محلی قرار گرفته باشد که ورود به پارکینگ مستلزم قطع درختان  
کهن باشد که شهرداری اجازه قطع آن را نداده است.

۳- ساختمان، در بر کوچه‌هایی قرار گرفته باشد که به علت عرض کم کوچه، امکان  
عبور اتومبیل نباشد.

۴- ساختمان، در بر معبری قرار گرفته باشد که به علت شیب زیاد، احداث پارکینگ  
در آن از نظر فنی مقدر نباشد.

۵ - در صورتی که وضع و فرم زمین زیر ساختمان به صورتی باشد که از نظر فنی  
نتوان در سطح طبقات احداث پارکینگ نمود.

۶ - ساختمان، در بر خیابان‌های سریع‌السیر به عرض ۴۵ متر و بیشتر قرار داشته و  
دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

تبصره ۳: جهت مالکینی که تأمین پارکینگ در ردیف‌های ۶ گانه فوق منطبق با  
بخشنامه شماره ۳۴۳/۳/۱/۲۹۳۷ - ۷۱/۳/۳ وزارت کشور امکان‌پذیر نباشد و یا مجتمع‌های  
تجاری که قصد احداث پارکینگ مورد نیاز واحدهای تجاری و مسکونی خود را در املاکی  
غیر از پلاک مورد پروانه (مطابق ضوابط طرح تفصیلی) تأمین نمایند بدون اخذ عوارض  
تأمین پارکینگ، شهرداری مجاز به صدور پروانه می‌باشد.

تبصره ۴: در صورتی که مالکین نتوانند در راستای تبصره ۲ نسبت به تأمین پارکینگ  
واحدهای تجاری، مسکونی، اداری، بهداشتی، درمانی و غیره را تأمین نمایند، شهرداری  
عوارض تأمین پارکینگ را طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری از نزدیک‌ترین پارکینگ  
عمومی جانمایی شده در طرح جامع و یا تفصیلی، که بر مبنای قیمت میانگین املاک  
واقع در طرح پارکینگ عمومی مقوم می‌گردد، وصول می‌نماید.

تبصره ۵: این عوارض باید برای مطالعه، خرید زمین، اجازه زمین، احداث و راه  
اندازی پارکینگ‌های عمومی سطح شهر هزینه می‌شود.

تبصره ۶: عوارض اختصاصی احداث پارکینگ عمومی در سطح شهر جهت بانک‌ها،  
مؤسسات مالی و اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه کلیه سازمان‌ها و شرکت‌ها و  
مؤسسات دولتی و عمومی که از طریق اصول بازرگانی اداره می‌شوند و مشمول تبصره (۲)  
می‌باشند، عوارض تأمین پارکینگ آنها به قیمت روز طبق نظریه کارشناس رسمی  
دادگستری و اولویت املاک تعیین شده توسط شهرداری، وصول می‌گردد.

تبصره ۷: کلیه مالکین منطقه ۱ تراکمی (مطابق تعرفه شماره ۹ عوارض) در زمان  
صدور پروانه ساختمانی اضافه اشکوب، چنانچه مشمول موارد ۶ گانه تبصره ۱ گردند،  
شهرداری بابت هر مترمربع عوارض تأمین پارکینگ، به قیمت روز طبق نظر کارشناس  
رسمی اقدام می‌نماید به شرطی که قیمت اعلامی بیشتر از ۵۰٪ (پنجاه درصد) ارزش روز  
همان پلاک نباشد.

تبصره ۸: پرداخت حق الزحمه کارشناسی به صورت مساوی، پنجاه درصد به عهده  
مالک و پنجاه درصد به عهده شهرداری می‌باشد.

تبصره ۹: در مواردی که میزان کسری پارکینگ کمتر از یک واحد می‌باشد و یا در مواردی  
که مؤدیان طی آرای صادره از کمیسیون ماده صد مکلف به پرداخت عوارض تأمین پارکینگ  
می‌گردند، مبنای محاسبه این عوارض با دو گزینه ذیل در اختیار و انتخاب مالک می‌باشد.

۱- بر اساس ارزش کارشناسی روز بها عرصه ملک

۲- بر اساس قیمت کارشناسی بها نزدیکترین پارکینگ عمومی

جهت تسریع در این امر و نیز کاهش هزینه‌های کارشناسی، در صورت توافق  
طرفین، نظریه کارشناسی رسمی دادگستری مربوط به ارزیابی املاک مورد نظر که بیشتر  
از ۳ ماه از تاریخ آن نگذشته باشد ملاک و مد نظر طرفین قرار گیرد.

به منظور تشویق بخشی خصوصی کلیه افرادی که نسبت به احداث پارکینگ  
عمومی، طبقاتی و آسانسوری در سطح شهر محلات اقدام می‌نمایند از پرداخت عوارض  
اختصاصی احداث پارکینگ عمومی معاف می‌باشند."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر محلات به موجب لایحه  
شماره ۲۰۱/ش م - ۱۴۰۰/۶/۲۸ توضیح داده است که:

شرح	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض
عوارض اختصاصی احداث پارکینگ عمومی	طبق تبصره‌های ۲، ۳ و ۷ ذیل تعرفه عمل شود.

**موضوع شکایت و خواسته:** ابطال بند ۱۶ از تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ و بند ۱۷ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر اندیشه (تحت عنوان عوارض مزاد بر سطح اشغال)

**گردش کار:** شاکی به موجب دادخواستی ابطال بندهای ۱۶ و ۱۷ از تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ از تعرفه شورای اسلامی شهر اندیشه تحت عنوان عوارض مزاد بر سطح اشغال را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً اینجانب ایمان قوامی فرد مستنداً به قسمت اخیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی و نیز تبصره ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خاطر آن مقام و قضات دیوان عدالت اداری را مستحضر می‌دارم نظر به اینکه بندهای ۱۷ و ۱۶ از مصوبه تعرفه عوارض محلی مورد عمل برای سالهای ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ شهرداری اندیشه مصوب شورای اسلامی شهر اندیشه پیرامون «عوارض مزاد بر سطح اشغال» برخلاف آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و قانون و خارج از حدود اختیار مرجع واضع تصویب گردیده است، بدین وسیله تقاضای ابطال آن را از تاریخ تصویب خارج از نوبت وفق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مشروحاً به تفصیل مرقوم ذیل الذکر می‌نمایم. هر چند عوارض بعد از رأی کمیسیون ماده صد با توجه به دادنامه شماره ۵۸۷-۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و همچنین دادنامه شماره ۴۸-۱۳۸۵/۲/۳ و دادنامه ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر قانونی بودن وصول عوارض مربوط به تخلفات ساختمانی علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰، پذیرفته شده لکن طبق دادنامه شماره ۳۲۲-۱۳۹۷/۲/۲۵ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری «عوارض بعد از ابقاء بنا در کمیسیونهای ماده صد باید به همان اندازه زمان صدور پروانه باشد که در آراء هیأت عمومی از جمله رأی شماره ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ و شماره ۱۰۳۰-۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و شماره ۸۱۳-۱۳۹۹/۶/۲۵ به آن اشاره شده است. حالیه نظر به اینکه در مصوبات تعرفه عوارض معترض به، میزان عوارض بعد از کمیسیون به ۸ و ۲ برابر افزایش یافته لذا مغایر با آراء فوق‌الذکر و سایر آراء صادره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم جواز افزایش و تشدید عوارض از میزان زمان صدور پروانه است.

معهداً نظر به مراتب معنونه و مسطوره فوق‌الذکر و با امعان نظر به اینکه عوارض معترض به، مغایر آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و قانون و خارج از حدود اختیار مقام واضع وضع گردیده و با وضع عوارض مصوب مذکور و اعلان عمومی آن، اخذ هر مقدار وجوه از اشخاص با ابتناء بر آن فاقد وجهت و استغنائی حقوقی است و خارج از اختیارات واضع آن است و وفق مواد ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون مدنی، مستوجب ضمان عین و منافع می‌باشد لذا ابطال مصوبات موضوعه معنونه شورای اسلامی شهر اندیشه از زمان تصویب مستنداً به ماده ۹۲ قانون تشکیلات آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مورد استدعاست."

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۴۰۰-۴۴-۶ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

" احتراماً در پاسخ به اخطاریه رفع نقص صادره در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۰۴۴ بدین وسیله به استحضار می‌رساند عوارض معترض به علاوه بر مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح منعکس در دادخواست تقدیمی در خصوص لزوم محاسبه عوارض بعد کمیسیون به اندازه زمان صدور پروانه بدین وسیله با بند (الف) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰ در خصوص سیاست کاهش عوارض و نیز ماده ۱۴ آیین‌نامه وضع و وصول عوارض مصوب ۱۳۷۸ هیأت وزیران در باب لزوم رعایت سیاستهای عمومی دولت در عوارض و نیز ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه و قسمت اخیر ماده ۵۹ قانون رفع موانع تولید در خصوص ممنوعیت اخذ وجه مزاد در هنگام یا بعد از صدور پروانه می‌باشد."

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

۱۶- نام عوارض:  
عوارض مزاد بر سطح اشغال

در صورتیکه مالکین، مزاد بر سطح اشغال بنا احداث نمایند، باید پرونده تخلف به کمیسیون ماده صد ارجاع گردد در صورتیکه کمیسیون ماده صد رأی بر ابقاء بنا صادر نماید، آن گاه شهرداری ضمن دریافت جریمه، عوارض مزاد بر سطح اشغال را بصورت ذیل وصول می‌نماید.

" ۱- دادخواست ارائه شده در قسمت طرف شکایت صرفاً عبارت «محلات» درج گردیده لذا مشخص نیست منظور از «محلات» کدام نهاد یا اداره یا سازمان دولتی و عمومی می‌باشد.

۲- عوارض مورد شکایت پس از تصویب توسط شورای اسلامی شهر محلات به تأیید استانداری مرکزی رسیده لذا تمامی مراحل قانونی و کارشناسی را طی نموده و مطمئناً کارشناسان استانداری تمامی موارد نقض شده در دیوان را بررسی نموده و سپس نسبت به تأیید تعرفه عوارض مذکور اقدام نموده‌اند.

۳- موضوع عوارض مورد ترافع پرداخت هزینه جهت تأمین پارکینگ برای املاکی می‌باشد که عملاً هنگام اخذ پروانه ساختمانی و احداث بنا امکان احداث و تأمین پارکینگ در همان پلاک را ندارند لکن عدم امکان تأمین پارکینگ دال بر نداشتن خودرو برای مالکین آن ساختمان نمی‌باشد که عدم احداث پارکینگ عمومی در حوالی ساختمانهای مذکور، خودروی مالکین چنین بناهایی شبانه روز در معابر عمومی و خیابان پارک شده که علاوه بر سهولت سرقت، چنین خودروهایی باعث ایجاد ترافیک و کندی عبور و مرور می‌گردد. در حالی که شهرداری با اخذ عوارض تأمین پارکینگ و احداث پارکینگ در مجاورت یا نزدیکی آن ساختمان در صدد رفع مشکلات فوق‌الذکر بر خواهد آمد.

۴- طبق تبصره ۳ ذیل تعرفه عوارض شماره ۸ که مورد اعتراض شاکی قرار گرفته بیان گردیده در صورت تأمین پارکینگ توسط مالک املاک با شرایط فوق‌الذکر در املاک غیر از پلاک مورد پروانه هیچ‌گونه عوارض تأمین پارکینگ از ایشان اخذ نخواهد گردید. لذا با توجه به اینکه بر اساس ضوابط شهرسازی، مالکین هنگام اخذ پروانه ساختمانی ملزم و مکلف به تأمین پارکینگ می‌باشند. نتیجتاً می‌توانند در پلاک دیگر اقدام به احداث و تأمین پارکینگ نمایند و اخذ عوارض تأمین پارکینگ الزامی نبوده و صرفاً جهت تسهیل امور شهروندان ایشان بین تأمین پارکینگ در پلاک دیگری یا پرداخت بهای آن و تأمین آن توسط شهرداری مخیر گشته‌اند. نهایتاً اینکه با ابطال عوارض مورد ترافع تمامی مالکین با شرایط فوق‌الذکر ملزم به تأمین پارکینگ در پلاک دیگر می‌گردند.

علی‌اجمال با توجه به موارد فوق‌الذکر علی‌الخصوص اینکه مالکین پلاک‌هایی با شرایط فوق اساساً بین تأمین پارکینگ در پلاک دیگر و پرداخت عوارض مخیرند و اجباری در کار نیست و همچنین اینکه عوارض دریافتی صرف احداث و تأمین پارکینگ جهت استفاده همین مالکین می‌گردد که در نهایت در راستای رفاه شهروندان و کاهش هزینه و خطرات ترافیکی و امنیتی رد شکایت شاکی تقاضا می‌گردد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه براساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۱۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۳، شماره ۱۳۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ و شماره ۱۱۸۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲ این هیأت وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۸ تعرفه عوارض شهرداری محلات در سال ۱۳۹۹ که تحت عنوان عوارض تأمین و احداث پارکینگ طبق ضوابط و مقررات طرح تفصیلی به تصویب شورای اسلامی شهر رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۰۴۴

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبریور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۵ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «بند ۱۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ و بند ۱۶ تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری اندیشه که تحت عنوان عوارض مزاد بر سطح اشغال به تصویب شورای اسلامی شهر رسیده از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۵ شماره پرونده: ۰۰۰۰۰۴۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای ایمان قوامی فرد

ردیف	شرح	محاسبه عوارض
۱	به ازای هر مترمربع احداث اعیانی مازاد بر سطح اشغال	۲ برابر عوارض صدور پروانه ساختمانی با هر کاربری

۱۷- نام عوارض: عوارض مازاد بر سطح اشغال (سال ۹۹)
پیشنهاد دهنده: شهرداری اندیشه به استناد بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها
مرجع تصویب کننده: شورای اسلامی شهر به استناد بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ضمانت اجرایی وصول: کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری

در صورتیکه مالکین مازاد بر سطح اشغال بنا احداث نمایند باید پرونده تخلف به کمیسیون ماده صد ارجاع گردد. در صورتیکه کمیسیون ماده صد رأی بر ابقاء بنا صادر نماید آنگاه شهرداری ضمن دریافت جریمه عوارض مازاد بر سطح اشغال را بشرح ذیل وصول می نماید.

ردیف	شرح	محاسبه عوارض
۱	به ازای هر مترمربع احداث اعیانی مازاد بر سطح اشغال برابر طرح های توسعه شهری	۸ برابر عوارض صدور پروانه ساختمانی همان کاربری

پس از ارسال نسخه ای از شکایت برای شورای اسلامی شهر اندیشه، شهردار شهر اندیشه به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۳/۲۳-۱/۴۶۷۵ توضیح داده است که:

” به استحضار می رسد تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست های عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می شود طبق بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و آیین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران از جمله وظایف و مسئولیت های شورای اسلامی شهر محسوب شده و همچنین برابر تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ وضع عوارض محلی بر عهده شوراهای اسلامی شهر و بخش بوده که موظفند موارد را حداکثر تا ۱۵ بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی نمایند. لذا با استناد به آراء شماره ۵۸۷-۱۱/۲۵ و ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض از جمله حقوق دیوانی بوده و غیر از جرایم مربوط به کمیسیون های ماده صد قانون شهرداری ها می باشد. مع الوصف بند ۱۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ و ۱۶ تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ این شهرداری با ملحوظ قرار دادن موارد مطروحه فوق تهیه و تدوین گردیده که توسط شورای اسلامی شهر اندیشه تصویب و اعلام عمومی گردیده است. شایان ذکر می باشد عوارض (مازاد بر سطح اشغال) در هیچ مرجع صالحه قانونی من جمله هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری ابطال نگردیده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

براساس آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۱۰۳۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و شماره ۱۷۴۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ این هیأت، وضع عوارض برای بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری صرفاً در رابطه با عوارض صدور پروانه ساخت مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات نیست و علاوه بر آن مانند یک و نیم برابر یا دو و یا چند برابر از مصادیق عوارض مضاعف محسوب شده و دریافت آن فاقد وجهت قانونی و برخلاف مفاد آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ این هیأت است. با توجه به مراتب فوق، بند ۱۷ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۹ و بند ۱۶ تعرفه عوارض سال ۱۴۰۰ شهرداری اندیشه که تحت عنوان عوارض مازاد بر سطح اشغال به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۴۹۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبریور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۶ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «ابطال قسمتی از تبصره ۲ بند ب ماده یک و تبصره ۱۳ بند ج ماده یک تعرفه عوارض و بهای خدمات سالهای ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شورای اسلامی شهر قم از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۶ شماره پرونده: ۰۰۰۰۴۹۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقایان علی ناظریان جزئی و علیرضا طغیانی خوراسگانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از تبصره ۲ بند (ب) ماده ۱ و تبصره ۱۳ بند (ج) ماده ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ شهرداری قم مصوب شورای شهر قم

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال قسمتی از تبصره ۲ بند (ب) ماده ۱ و تبصره ۱۳ بند (ج) ماده ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ شهرداری قم مصوب شورای شهر قم را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

” با سلام و تقدیم احترام، بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، ابطال آن قسمت از تبصره ۲ بند (ب) ماده ۱ و تبصره ۱۳ بند (ج) ماده ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شهرداری قم مصوب شورای اسلامی شهر قم که عبارات یا مقرراتی تحت عنوان «در صورت عدم تأمین پارکینگ، عوارض پذیره و زیربنای متعلقه به میزان دو برابر وصول خواهد شد» و «در صورت تأمین پارکینگ برابر جدول مربوطه محاسبه خواهد شد» را به لحاظ مغایرت مصوبه مذکور با مواد قانونی مذکور و بند ۹ و ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی خارج از حدود اختیارات قانونی طرف شکایت می باشد به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص از تاریخ تصویب درخواست می نمایم:

۱- هر چند طبق بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می شود، از جمله وظایف و مسئولیت های شورای اسلامی شهر محسوب شده و در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ وضع عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، با رعایت مقررات مربوطه تجویز شده است و وضع و اخذ عوارض صدور پروانه ساختمانی در تراکم پایه و مازاد بر تراکم توسط شوراهای اسلامی و شهرداریها طبق بند (ب) رأی شماره ۷۹-۱۳۹۵/۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص نگردیده است و همچنین جرایم مندرج در تبصره های ماده صد قانون شهرداری در واقع و نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن بوده و انواع گوناگون عوارض قانونی در حقیقت از نوع حقوق دیوانی ناشی از اعمال مجاز محسوب می شود و آراء شماره ۵۸۷-۱۱/۲۵ و ۱۳۸۳/۱۱/۲۵، ۱۹۹-۱۳۹۰/۵/۱۰ و ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ (به منظور اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی (۲۴۲-۱۳۹۵/۴/۱) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موید آن می باشد. لیکن تشدید عوارض و وضع عوارض اضافه بر عوارض قانونی و وضع عوارض بیش از یک برابر در عبارت «در صورت عدم تأمین پارکینگ، عوارض زیر بنا و بنای متعلقه به میزان دو برابر وصول خواهد شد» در تبصره ۲ بند (ب) ماده ۱ و تبصره ۱۳ بند (ج) ماده ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ شهرداری قم مصوب شورای اسلامی شهر قم که به وضع عوارض ۲ برابر (۱ برابر بیشتر) عوارضات قانونی اقدام نموده از جمله عوارض مضاعف محسوب و فاقد وجهت قانونی است.

۲- مطابق اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و تعیین جریمه صرفاً از طریق قانون ممکن است و وضع قاعده در این باب صرفاً در صلاحیت مقنن مجلس شورای اسلامی است. مقنن نیز در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها، مرجع تعیین مجازات بازدارنده و همچنین عین جریمه برای شهروندان متخلف را پیش بینی نموده و بر اساس این ماده صرفاً کمیسیون ماده ۱۰۰ صالح رسیدگی به این موضوع و تعیین جریمه شده است. در خصوص تعیین مجازات و اخذ جریمه بابت کسری و حذف پارکینگ نیز در تبصره ۵

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

براساس آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۱۰۳۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و شماره ۱۷۴۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ این هیأت، وضع عوارض برای بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری صرفاً در رابطه با عوارض صدور پروانه ساخت مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات نیست و علاوه بر آن مانند یک و نیم برابر یا دو و یا چند برابر از مصادیق عوارض مضاعف محسوب شده و دریافت آن فاقد وجهت قانونی و برخلاف مفاد آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ این هیأت است. با توجه به مراتب فوق، عبارت مورد شکایت از تبصره ۲ بند «ب» ماده ۱ و همچنین تبصره ۱۳ بند «ج» ماده ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات سالهای ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شهرداری قم که به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۱۱۰۰

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «مواد ۴، ۷ و ۸ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد به شماره سند عتف - آ - ۲۲۰۳ مصوب جلسه شماره ۶۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۷ شماره پرونده: ۹۹۰۱۱۰۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: دانشگاه آزاد اسلامی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مواد ۴، ۷ و ۸ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد به شماره سند عتف - آ - ۲۲۰۳ مصوب جلسه شماره ۶۹ - ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال و نقض آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد به شماره سند عتف - آ - ۲۲۰۳ مصوب جلسه شماره ۶۹ - ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

۱- به استناد جزء ۱ بند (ب) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب سال ۱۳۸۳ به طور کلی وزارت علوم و شوراهای زیر مجموعه یا وابسته به آن اختیاری برای تصویب ضوابط پذیرش دانشجو در مقاطع رسمی تحصیلی اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری نداشته و صرفاً می‌تواند ضوابط و معیارهای مورد نظر خود را برای تصویب نهایی به مراجع ذیصلاح (مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی) ارائه نمایند. در حال حاضر، طبق قوانین مورد عمل به خصوص مواد ۵ و ۴ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴، پذیرش دانشجویان در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری منوط به شرکت در آزمون متمرکز بوده و طبق ماده ۶ قانون مذکور و تبصره ذیل آن، صرفاً سهمیه‌ها و معافیت‌های شرکت در آزمون که به تصویب مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده‌اند معتبر و ملاک عمل خواهد بود.

۲- در ماده ۶۴ قانون برنامه ششم توسعه و مصوبات مورخ ۱۳۷۷/۳/۲۲ و ۱۳۸۱/۵/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، وضع مقررات و آیین‌نامه‌های خاص حمایتی برای استعدادهای

ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها تعیین تکلیف گردیده و شهروندان پس از پرداخت جریمه تعیینی توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ صرفاً مجاز به پرداخت عوارضات قانونی متعلقه به قسمت مورد تخلف می‌باشند، بنابراین هنگامی که شورای اسلامی شهرها، حقی در جریمه نمودن شهروندان ندارند، علی‌القاعده نسبت به آن نیز نمی‌تواند وضع قاعده نمایند و مصوبه معترض‌عنه در قسمتی که در صورت تأمین پارکینگ یا عدم تأمین پارکینگ اقدام به وضع ضابطه و قانونگذاری نموده، برخلاف اصل ۳۶ قانون اساسی تصویب گردیده است. با توجه به توضیحات مذکور و بر اساس بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری ابطال قسمتی از تبصره ۲ بند (ب) ماده ۱ و تبصره ۱۳ بند (ج) ماده ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شهرداری قم مصوب شورای اسلامی شهر قم که عبارات یا مقرراتی تحت عنوان «در صورت عدم تأمین پارکینگ، عوارض پذیره و زیربنای متعلقه به میزان دو برابر وصول خواهد شد» و «در صورت تأمین پارکینگ، برابر جدول مربوطه محاسبه خواهد شد» را تصویب نموده است و به لحاظ مغایرت مصوبه مذکور با مواد قانونی مذکور و بند ۹ و ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی خارج از حدود اختیارات قانونی طرف شکایت می‌باشد به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص از تاریخ تصویب درخواست می‌نماییم.

متن مقرره‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

" بند ب - عوارض مسکونی (صدور پروانه - ساخته شده - تجدید بنا - اصلاح پروانه - توسعه بنا - تعویض سقف) از سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹:

تبصره ۲: چنانچه بنای پیلوت به صورت غیرمجاز تغییر کاربری یابد، در صورت ابقاء توسط مراجع ذیصلاح و در صورت عدم تأمین پارکینگ، عوارض پذیره، و زیربنای متعلقه به میزان ۲ برابر وصول خواهد شد و در صورت تأمین پارکینگ، برابر جدول مربوطه محاسبه خواهد شد.

\* - این تبصره مشمول ساختمان‌هایی است که تخلف آنها از سال ۱۳۹۳ به بعد انجام می‌گردد.

تبصره ۱۳: چنانچه بنای پیلوت به صورت غیرمجاز تغییر کاربری یابد، در صورت ابقاء توسط مراجع ذیصلاح، در صورت عدم تأمین پارکینگ، عوارض پذیره، و زیربنای متعلقه به میزان ۲ برابر وصول خواهد شد و در صورت تأمین پارکینگ، برابر جدول مربوطه محاسبه خواهد شد.

\* - این تبصره مشمول ساختمان‌هایی است که تخلف آنها از سال ۱۳۹۳ به بعد انجام می‌گردد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر قم به موجب لایحه شماره ۳۳۲۲ - ۱۴۰۰/۶/۲۳ توضیح داده است که:

" در شرایطی که بسیاری از نابسامانی‌های ترافیکی و مشکلات تردد در معابر عمومی ناشی از تبدیل فضای پیلوت به مسکونی، تجاری و سایر کاربری هاست، سازندگان بنا از این رهگذر انتفاع برده و اهالی ساختمان و شهروندان را دچار مشکلات عدم دسترسی به پارکینگ نمایند و در تمامی مواردی که تخلف ساختمانی فوق (تبدیل به سایر کاربری‌ها) اتفاق می‌افتد شهرداری وفق قوانین و مقررات مربوطه ضمن جلوگیری از عملیات ساختمانی پرونده تخلف ساختمانی را به کمیسیون ماده ۱۰۰ احاله و موکداً درخواست، برگشت به حالت اولیه (ابقاء پیلوت) می‌نماید و در صورت دعوت از نماینده شهرداری در کمیسیون ماده صد، نماینده شهرداری نیز اصرار بر ابقاء پیلوت (با ضرورت تخریب و برگشت به وضع اولیه به پیلوت می‌نماید) لکن از آنجایی که کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ به موضوع رسیدگی و با استقلال کامل نیز رأی صادر می‌نمایند بعضاً رأی به عدم تبدیل داده و به جریمه اکتفا می‌نمایند در این گونه موارد دو حالت به وجود می‌آید:

الف - مالک یا سازنده بنا فضای از دست رفته در پیلوت را به مسکونی، تجاری یا سایر کاربری‌ها تبدیل می‌نماید و در محل دیگری پارکینگ لازم را تأمین می‌نماید. در این گونه موارد فضایی که به دلیل وجود پارکینگ معاف از پرداخت عوارض بوده با تبدیل شدن به کاربری جدید عوارض به آن تعلق می‌گیرد.

ب - مالک یا سازنده بنا فضای از دست رفته در پیلوت را به مسکونی تجاری یا سایر کاربری‌ها تبدیل می‌نماید و در بخش دیگری از ساختمان یا محل دیگری پارکینگ لازم را تأمین نمی‌نماید به عبارتی فضایی را که باید پیلوت می‌شده، مسکونی، تجاری و غیره نموده و فضای دیگری را که باید پارکینگ تأمین می‌نمود تأمین نکرده و انتفاع برده است. بدیهی است طبق قاعده (من له الغنم فعلیه الغرم) چون سازنده بنا یا مالک انتفاع بیشتری می‌برد، ضریب عوارض ۲ خواهد بود. لازم به توضیح است شورای اسلامی شهر وفق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده بند ۱۶ ماده ۷۱ (۸۰ جدید) قانون شوراها حق وضع عوارض را دارند و مکان فوق که ارزش افزوده بیشتری می‌یابد عوارض متناسبی با (ضریب دو) به آن تعلق می‌گیرد و خارج از حدود اختیارات شوراها عمل نگردیده و مغایرتی با قانون ندارد لذا با شرح مراتب فوق درخواست رد شکایت مطروحه را دارم."

را به جز مواد ۴، ۷ و ۸ را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به بندهای ۴، ۷ و ۸ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

الف - با توجه به اینکه براساس ماده ۴ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد مصوب جلسه شماره ۶۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان حق تغییر رشته یا محل تحصیل افراد پذیرفته‌شده در چهارچوب مقررات بدون مبنای قانونی سلب شده و منجر به ایجاد تبعیض ناروا میان متقاضیان پذیرش بدون آزمون و سایر دانشجویان شده است، بنابراین مقرر مذکور مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - ماده ۷ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد مصوب جلسه شماره ۶۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان که دانش‌آموختگان دوره‌های مجازی، فراگیر پیام نور، پذیرفته‌شدگان آزمون اختصاصی (داخلی)، پذیرفته‌شدگان کارشناسی با سوابق تحصیلی و دارندگان مدرک حوزوی معادل کارشناسی را بدون ذکر مبنای قانونی از شرکت در پذیرش بدون آزمون دوره کارشناسی ارشد منع کرده، در حالی که امکان وجود افرادی مستعد در میان فارغ‌التحصیلان دوره‌های مذکور وجود دارد، مصداق تبعیض ناروا بوده و با بند (۹) اصل سوم قانون اساسی مغایرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ج - ماده ۸ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد مصوب جلسه شماره ۶۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان که دانشگاه‌های پیام نور، آزاد اسلامی، جامع علمی - کاربردی و فنی و حرفه‌ای را از پذیرش دانشجوی استعدادهای درخشان (بدون آزمون) محروم کرده در حالی که ایجاد چنین محدودیتی برای دانشگاه‌های اشاره شده مستند و مبنای قانونی ندارد و لذا مقرر مزبور مغایر با بند (۹) اصل سوم قانون اساسی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۳۲۷۹ ۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۵۸۱۲۱۷۸ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «صورتجلسه شماره ۱۸- ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای عالی مالیاتی (موضوع بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ سازمان امور مالیاتی کشور) ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - بدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۷۸ شماره پرونده: ۹۹۰۳۲۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای حسین بارمطاولو

موضوع شکایت و خواسته: ابطال صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸

شورای عالی مالیاتی موضوع بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکلی به موجب دادخواستی ابطال صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ

۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای عالی مالیاتی موضوع بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

درخشان پیش‌بینی گردیده و بدیهی است که تصویب این قبیل آیین‌نامه‌ها در چهارچوب قوانین مصوب بوده و نایستی مغایر قانون باشند.

۳- در بندهای ۹ گانه وظایف و اختیارات شورای هدایت استعدادهای درخشان به شرح ماده ۲ آیین‌نامه مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۲ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصویب ضوابط پذیرش دانشجو (بدون آزمون) در مقاطع تحصیلات تکمیلی از جمله اختیارات این شورا تلقی نشده و مقررات آیین‌نامه‌های مصوب نمی‌تواند مغایر قوانین باشد.

۴- مواد ۷ و ۸ آیین‌نامه تهیه شده مشتمل بر تبعیض ناروا بین دانشگاه‌ها مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی بوده و برای فارغ‌التحصیلان این دانشگاه ایجاد نارضایتی کرده است.

از سویی دیگر مطابق قانون سنجش و پذیرش تحصیلات تکمیلی هرگونه سهمیه‌بندی منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی و یا شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و شورای هدایت استعدادهای درخشان که زیر مجموعه وزارت علوم است، اختیاری درخصوص تعیین سهمیه برای پذیرش دانشجو را ندارد. بر همین اساس، آیین‌نامه معترض‌عنه بر خلاف قانون سنجش و پذیرش دانشجو در تحصیلات تکمیلی است.

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری برای دانشگاه آزاد اسلامی ارسال شده بود، این دانشگاه به موجب لایحه شماره ۱۳۱۳۶۳۷-۱۳۹۹/۵/۲۵ توضیح داده است که:

" بازگشت به اخطاریه رفع نقض از کلاس پرونده ۹۹۰۱۱۰۰ - ۱۳۹۹/۵/۴ در خصوص شماره پرونده ۹۹۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۳۷۳ با موضوع شکایت این دانشگاه از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شورای هدایت استعدادهای درخشان به استحضار می‌رساند: مستنداً به مفاد دادخواست تقدیمی به آن مرجع تقاضای نقض و ابطال کل آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره کارشناسی ارشد مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱ شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شماره ۱۱/۳۰۱۰۴۱-۱۳۹۸/۱۱/۶ که برای اجرا به کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ابلاغ گردیده است، مورد استدعا می‌باشد."

متن مقرره‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

" آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد"

ماده ۴- تغییر رشته یا محل تحصیل افراد پذیرفته شده بر اساس این آیین‌نامه، مجاز نیست.

ماده ۷- دانش‌آموختگان دوره‌های مجازی، فراگیر پیام نور، پذیرفته‌شدگان آزمون اختصاصی (داخلی)، پذیرفته‌شدگان کارشناسی با سوابق تحصیلی و دارندگان مدرک حوزوی معادل کارشناسی مشمول این آیین‌نامه نمی‌باشند.

ماده ۸- دانشگاه پیام نور، آزاد اسلامی، علمی - کاربردی، فنی و حرفه‌ای و پردیس‌های خودگردان مجاز به استفاده از این آیین‌نامه برای پذیرش استعدادهای درخشان نمی‌باشند.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به موجب لایحه شماره ۷/۷۵/۱۳۸۵۶۴-۱۳۹۹/۷/۷، نامه شماره ۲/۲۱/۱۳۵۴۶۳-۱۳۹۹/۷/۵ مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی این وزارت را ارسال کرده است که متن آن به طور خلاصه به قرار زیر است:

" ۱- بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه تشکیل شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم مصوب سال ۱۳۸۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، از وظایف و اختیارات شورا، تصویب طرح‌ها، آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های آموزشی خاص استعدادهای درخشان، تعیین ضوابط و مقررات مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های مصوب و صدور مجوز اجرای برنامه‌های خاص استعدادهای درخشان به دانشگاه و مراکز واجد شرایط است، بنابراین تصویب آیین‌نامه مورد شکایت و تعیین مشمولین استفاده از تسهیلات، در چارچوب اختیارات شورا است.

۲- بر اساس ماده ۸ آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد، برخی دانشگاه‌ها امکان پذیرش دانشجوی استعدادهای درخشان را ندارند اما در تبصره آن ماده به دانش‌آموختگان همان دانشگاه‌ها، در صورت موافقت دانشگاه پذیرنده، مجوز بهره‌مندی از تسهیلات داده شده است که مشمول این تبصره دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی را در بر می‌گیرد.

۳- موضوع عدم امکان پذیرش دانشجوی استعدادهای درخشان در دانشگاه آزاد اسلامی از سال ۱۳۹۳ در شورای هدایت وزارت متبوع مصوب و از آن تاریخ اجرا شده است."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پرونده به هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۸۲۹ - ۱۴۰۰/۶/۲۰، آیین‌نامه پذیرش بدون آزمون استعدادهای درخشان در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مختلف نیز با تأیید مراجع ذیصلاح قانونی فارغ از سوابق مربوط به وجود یا عدم وجود مستحدثات در محل، در صورت احراز وجود مزاد ارزش نسبت به قیمت روز عرصه با کاربری مسکونی، مشمول مالیات حق واگذاری محل اعلام شده‌اند، مغایر با تبصره ۲ ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم است و مستند به حکم بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. از مفاد دادنامه فوق چنین مستفاد می‌گردد که صرفاً املاک و اراضی با کاربری تجاری مشمول مالیات موضوع ماده (۵۹) قانون مالیاتهای مستقیم بوده و سایر اراضی و املاک با کاربری‌های غیرتجاری اعم از اداری، صنعتی و آموزشی و ... از شمول این مالیات خارج می‌باشند.

#### اظهار نظر شورای عالی مالیاتی

با توجه به ابهام مطرح شده بشرح فوق، شورای عالی مالیاتی در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن پس از بررسی‌های لازم و شور و تبادل نظر در خصوص موضوع مطروحه به شرح زیر اعلام نظر می‌نماید:

طبق تبصره ۲ ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم، حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب یا پیشه با حق تصرف محل با حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل این حکم (حق واگذاری محل از نظر قانون مالیاتهای مستقیم) در اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۷۱/۲/۷ به عنوان تبصره (۵) ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم لحاظ و در اصلاحیه سال ۱۳۸۰ بدون تغییر در متن آن در قالب تبصره (۲) ماده ۵۹ متجلی گردیده است. از طرفی قانونگذار در تبصره (۱) ماده ۵۹ اصلاحیه مصوب ۱۳۷۱/۲/۷ قانون مالیاتهای مستقیم «تعیین ارزش معاملاتی حق واگذاری محل را بر حسب نوع کاربری ملک و محل وقوع آن از لحاظ موقعیت تجاری و سایر موارد مؤثر در ارزش آن به موجب آیین‌نامه‌ای دانسته که در سه ماهه اول هر سال توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام می‌گردد. هر چند به دلیل معاذیر اجرایی مفاد تبصره مذکور در تعیین ارزش حق واگذاری محل اجرایی نشده و در اصلاحیه سال ۱۳۸۰ قانون مالیاتهای مستقیم نیز (تعیین ارزش حق واگذاری محل همانند ارزش معاملاتی موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم) حذف گردیده است، لیکن تغییری در مراد قانونگذار در تعریف حق واگذاری محل نداشته و مفاد این تبصره بیانگر تعلق حق واگذاری به املاک تجاری و املاک با سایر کاربری‌ها که در انطباق با تبصره (۳) ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم دارای حقوق به رسمیت شناخته شده هستند، می‌باشد. علیهذا با عنایت به مراتب پیش گفته و مفاد بخشنامه شماره ۴۹۹۲۸/۶۶۰۶/۴/۳ - ۱۳۷۱/۱۰/۹ و رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۳۸۱۴/۴/۳۰ - ۱۳۷۹/۴/۲۶ و همچنین قسمت اخیر جز، (ح) بند (۱۰) بخشنامه شماره ۱۳۵۳۰ - ۱۳۸۴/۷/۲۷ و دادنامه شماره ۸۷/۳۲۵ - ۱۳۸۷/۵/۱۳ دیوان عدالت اداری و ملحوظ نظر قرار دادن این موضوع که مرجع موصوف در دادنامه شماره ۱۶۹ الی ۱۷۲ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ مفاد بخشنامه شماره ۱۴۶/۹۷/۲۰۰ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ در ارتباط با حق واگذاری سایر اراضی به استثنای اراضی تجاری را باطل نموده است، لذا مفاد بند (۱) ابهام مطرح شده در انطباق با قوانین و مقررات می‌باشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور، به موجب لایحه شماره ۲۱۲/۱۱۶۷ - ۱۴۰۰/۲/۷ توضیح داده است که:

«طبق بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۴۶ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ با توجه به مقررات تبصره ۲ ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم اراضی بایر و یا دارای کاربری مسکونی، فارغ از محل استقرار در موقعیت‌های مختلف اعم از صنعتی، اداری و ... به طور کلی مشمول مالیات حق واگذاری محل نخواهد بود و سایر اراضی دارای کاربری‌های مختلف از جمله تجاری (با تأیید مراجع ذی صلاح قانونی) فارغ از سوابق مربوط به وجود یا عدم وجود مستحدثات در محل، در صورت احراز وجود مزاد ارزش نسبت به قیمت روز عرصه با کاربری مسکونی، ملک مذکور مشمول مالیات حق واگذاری محل موضوع قسمت اخیر ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم می‌باشند. بخشنامه اخیرالذکر در خصوص مالیات حق واگذاری نسبت به سایر اراضی با کاربری‌های مختلف به موجب دادنامه‌های شماره ۱۶۹ الی ۱۷۲ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردید. بر اساس قسمت اخیر این رأی «... با توجه به اینکه بر اساس حکم مقرر در تبصره فوق (تبصره ۲ ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم) حق واگذاری محل صرفاً شامل کاربری‌های تجاری می‌باشد، بخشنامه مورد شکایت که بر اساس آن سایر اراضی دارای کاربری‌های مختلف نیز با تأیید مراجع ذی صلاح قانونی فارغ از سوابق مربوط به وجود یا عدم وجود مستحدثات در محل، در صورت احراز وجود مزاد ارزش نسبت به قیمت روز عرصه با کاربری مسکونی، مشمول مالیات حق واگذاری محل اعلام شده‌اند، مغایر با تبصره ۲ ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم است و مستند به حکم بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.»

«با توجه به ابطال بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۷/۱۴۶ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ سازمان امور مالیاتی توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مجدداً شورای عالی مالیاتی طی صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ رأی دیوان را تفسیر نموده و بخشنامه جدیدی به شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ - ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ صادر نموده است و از زمین‌های خالی با کاربری تجاری مالیات سرقفلی اخذ می‌نماید. همچنین صدور بخشنامه فوق مغایر با بخشنامه ۱۳۵۳۰ - ۱۳۸۴/۷/۲۷ اداره امور مالیاتی نیز می‌باشد که متذکر می‌گردد مادام که ملک به صورت زمین بوده و فعالیت تجاری و یا کسب و کاری در آن صورت نمی‌گیرد در مورد نقل و انتقال اعم از قطعی و غیرقطعی مشمول مالیات سرقفلی نمی‌گردد لذا خواهشمند است بخشنامه جدید امور مالیاتی به شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ سازمان امور مالیاتی ابطال گردد. زمین که به صورت بایر بوده و هیچ‌گونه ساخت و سازی در آن صورت نگرفته است چه مالیات سرقفلی باید بپردازد. ضمناً مقرر در مورد شکایت مغایر با ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم است.»

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

الف - بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ - ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ سازمان امور مالیاتی کشور:

«مخاطبان/ ذینفعان  
امور مالیاتی شهر و استان  
ادارات کل امور مالیاتی

موضوع: ابلاغ نظر شورای عالی مالیاتی موضوع صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸

به پیوست نظر شورای عالی مالیاتی موضوع صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ در خصوص «وضعیت شمول مالیات حق واگذاری محل نسبت به نقل و انتقال املاک دارای کاربری‌های مختلف» که در اجرای قسمت اخیر بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱ به تفیذ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور رسیده است، برای اجرا ابلاغ می‌شود. - معاون حقوقی و فنی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور»

ب - صورتجلسه شورای عالی مالیاتی به شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸  
«نامه شماره ۳۳۳۶۹/۲۳۰/د - ۱۳۹۹/۷/۲۷ معاون درآمدهای مالیاتی در خصوص موارد شمول مالیات حق واگذاری محل، موضوع ماده (۵۹) قانون مالیاتهای مستقیم اصلاحی مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱، حسب ارجاع مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۴ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم در جلسه شورای عالی مالیاتی مطرح گردید.  
شرح ابهام:

به موجب نظر اکثریت اعضای شورای عالی مالیاتی موضوع بخشنامه شماره ۱۳۹۵/۱۲/۲ - ۹۹/۹۵/۲۳۰، «صادیق مربوط به حق واگذاری محل، مستلزم وجود حقوق به رسمیت شناخته شده از سوی مراجع ذیصلاح قانونی است که در عرف رایج نیز متضمن مزاد ارزش نسبت به قیمت روز عرصه و اعیان مورد نظر برای صاحب حق می‌باشد.»

همچنین به موجب مفاد جزء (ب) بنده ۱۵ بخشنامه شماره ۱۳۵۳۰ - ۱۳۸۴/۷/۲۷ که اشعار می‌دارد: «متذکر می‌گردد مادام که ملک بصورت زمین بوده و فعالیت تجاری و یا کسب و کاری در آن صورت نگیرد، در موارد انتقال قطعی، مشمول مالیات حق واگذاری محل نخواهد بود.» و نیز بخشنامه شماره ۳۸۱۴/۴/۳۰ - ۱۳۷۹/۴/۲۶ مبنی بر اینکه منظور از حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل موضوع تبصره ۵ ماده (۵۹) قانون مذکور، حقوق به رسمیت شناخته شده توسط مراجع ذیصلاح برای واحدهای تجاری می‌باشد، بنابراین در مورد نقل و انتقال اراضی به طور کلی و ساختمان‌های دارای کاربری مسکونی به صرف وقوع این گونه املاک در مناطق تجاری و یا صنعتی، فرض تعلق حق واگذاری محل موجه نمی‌باشد.»

بنابراین از آنجا که بخشنامه‌های مورد اشاره تاکنون نسخ و یا ابطال نگردیده‌اند و دادنامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز صرفاً دائر بر ابطال بخشنامه شماره ۱۴۶/۹۷/۲۰۰ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ می‌باشد، که اساساً متضمن هیچ‌گونه حکمی در خصوص املاک و ساختمان‌ها نمی‌باشد، لذا کماکان املاکی (ساختمان و مستحدثات) که با تأیید مراجع ذیصلاح قانونی، دارای حقوق شناخته شده بوده و به تبع ارزشی بیش از قیمت روز آن املاک با کاربری مسکونی دارند، از جمله کاربری‌های اداری - صنعتی و آموزشی و همچنین اراضی با کاربری تجاری وفق دادنامه مزبور، در هنگام واگذاری، مشمول مالیات موضوع ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم خواهند بود.

با عنایت به مفاد دادنامه شماره ۱۶۹ الی ۱۷۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که تصریح دارد: «طبق تبصره ۲ همین ماده حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب یا پیشه با حق تصرف محل با حقوق ناشی از موقعیت تجاری محله با توجه به اینکه بر اساس حکم مقرر در تبصره فوق، حق واگذاری محل صرفاً شامل کاربری‌های تجاری می‌باشد، بخشنامه مورد شکایت که بر اساس آن، بایر اراضی دارای کاربری‌های



**گردش کار:** شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه‌ای ابطال بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شماره ۱۲۸۷۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده‌اند که:

” دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار

مدیران کل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان‌ها

۱- درخواست ابطال دستورالعمل مورد شکایت، در راستای حمایت از تولید است.

۲- نظر به اینکه در خصوص نوبت‌کاری موضوع مواد ۵۵ و ۵۶ قانون کار، برداشت‌ها و رویه‌های مختلفی وجود دارد، که موجب تشتت وحدت رویه شده است، مصوبه اقدام به تصویب بند ۵ دستورالعمل به این صورت نموده است: مصوبه مواد ۵۵ و ۵۶ قانون کار را به میل خود تفسیر نموده است، که چنانچه نیم یا بیش از نیمی از ساعات هر نوبت کاری با هر یک از نوبت‌های پیش‌فرض مقنن منطبق باشد، همان نوبت تلقی می‌گردد و مثال‌هایی نیز زده شده است.

۳- قانون اساسی: الف) تعارض با اصل ۵۸: اقدام به قانونگذاری صرفاً در صلاحیت مجلس شورای اسلامی می‌باشد؛ حال آنکه واضع مصوبه مورد شکایت، اقدام به قانونگذاری کرده است.

ب) تعارض با اصل ۷۳: در حالی که تفسیر قانون در صلاحیت مجلس است، اما مصوبه مورد شکایت، اقدام به تفسیر مواد ۵۵ و ۵۶ قانون کار نموده است؛ به نحوی که در نوبت‌کاری در ساعت ۱۹ عصر تا ۷ صبح به گونه‌ای اقدام کرده که به نوعی تفسیر قانون محسوب می‌گردد.

ج) تعارض با اصل ۱۳۸: مفهوم مخالف اصل ۱۳۸، آن است که سایر مراجع (غیر از هیأت وزیران و وزرا) مانند معاونت‌های هر یک از وزارتخانه‌ها - همچون معاونت روابط کار که واضع مقررره مورد شکایت است - ، حق صدور تصویب‌نامه، آیین‌نامه و دستورالعمل را ندارد.

۳- سایر قوانین: الف) ماده ۹۰ قانون دیوان عدالت اداری: با توجه به اینکه عدم وجود مجوز قانونی برای معاونت روابط کار مبنی بر صدور دستورالعمل اجرایی طبق دادنامه‌های هیأت عمومی به شماره ۴۸۲ (مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹)، ۴۷۳ (مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۵)، شماره ۱۶۹۲ (مورخ ۱۳۹۷/۸/۱)، ۵۳۷ (مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۸) و شماره ۵۳۸ (مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۸) دلالت بر این دارند که معاونت روابط کار، خارج از اختیارات خود اقدام به صدور تصویب‌نامه، دستورالعمل یا بخشنامه نموده است، بنابراین درخواست می‌گردد ضمن پذیرش ایرادات مذکور، به استناد ماده ۹۰ قانون دیوان عدالت، نسبت به طرح موضوع در هیأت عمومی و ابطال دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار رأی مقتضی صادر گردد.

ب) نظر به شرح وظایف ۲۹ گانه اداره کل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (مرقوم در سایت وزارتخانه‌های مذکور) که به تأیید معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور رسیده است، معاونت روابط کار، صلاحیتی در جهت تفسیر، تصویب و ابلاغ دستورالعمل اجرایی ندارد.

بنابراین به لحاظ مغایرت با قانون و خارج از حدود اختیار بدون ابطال مصوبه از زمان تصویب مورد استدعاست. در تصویب دستورالعمل مورد شکایت، اقدام به بسط و گسترش دامنه شمول قانون به خصوص در بند ۵ در رابطه با ماده ۵۶ قانون کار گردیده است و با طرح فرض قانونی مذکور در ماده ۵۳ قانون کار، سعی در تطبیق فرض ۱۲ ساعت کار با ۸ ساعت کار و تعریف ضابطه عقلایی برای آن نموده است تا به نتیجه مورد نظر خود مبنی بر تعلق فوق‌العاده نوبت‌کاری ۲۲٫۵ درصدی به آن برسد. لذا صدور مصوبه، خارج از صلاحیت واضع آن است.

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای یکی از شاکیان به نام آقای عیسی حسن زاد ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹-۳۲۳۷-۷ و ۶ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۹ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

” احتراماً نظر به پرونده کلاسه ۹۹۰۳۲۳۷ در خصوص شکایت اینجانب مبنی بر ابطال دستورالعمل شماره ۲۲ معاونت روابط کار و عطف به اخطاریه رفع نقص مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۷ مبنی بر اعلام درخواست ابطال کل دستورالعمل و یا قسمتی از آن با عنایت به اینکه معاونت روابط کار به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و شرح وظایف و اختیارات ۲۹ گانه مصوب معاونت منابع انسانی ریاست جمهوری این معاونت اختیار تدوین و صدور هیچ‌گونه دستورالعملی را ندارد. لذا بدین‌وسیله و دادخواست تقدیمی تقاضای ابطال بند ۵ آیین‌نامه مذکور به جهت نقض اصل ۷۳ قانون اساسی و تفسیر و توسعه مواد ۵۵، ۵۳ و ۵۶ قانون کار نموده است. همان گونه که استحضار دارید، اصل ۷۳ قانون اساسی تفسیر قوانین و مقررات با مرجع واضع آن یعنی مجلس شورای اسلامی است، لذا تفسیر قوانین و

با توجه به مراتب فوق صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای عالی مالیاتی که مطابق با آن املاکی (ساختمان و مستحدثات) که با تأیید مراجع ذیصلاح قانونی دارای حقوق شناخته شده بوده و به تبع ارزشی بیش از قیمت روز آن املاک با کاربری مسکونی دارند، از جمله کاربری‌های اداری - صنعتی و آموزشی و همچنین اراضی با کاربری تجاری در هنگام واگذاری، مشمول مالیات موضوع ماده ۵۹ قانون مالیات‌های مستقیم خواهند بود، مغایرتی با قانون و مقررات و رأی هیأت عمومی یادشده ندارد چرا که از رأی یاد شده چنین مستفاد نمی‌گردد که نقل و انتقال املاک (ساختمان و مستحدثات) و زمین با کاربری تجاری در صورت احراز وجود مازاد ارزش نسبت به قیمت روز عرصه با کاربری مسکونی، مشمول مالیات حق واگذاری محل نیست، رأی مزبور صرفاً متضمن خروج سایر اراضی دارای کاربری‌های مختلف (کاربری‌هایی غیر از کاربری تجاری) از شمول مالیات حق واگذاری محل می‌باشد. بنابراین صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای عالی مالیاتی (بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ - ۱۳۹۹/۱۰/۲۰) در راستای رأی شماره ۱۶۹ الی ۱۷۲ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر شده و مغایرتی با قانون و مقررات مالیاتی و رأی مزبور ندارد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۵۹ قانون مالیات‌های مستقیم: «نقل و انتقال قطعی املاک به مأخذ ارزش معاملاتی و به نرخ پنج درصد و همچنین انتقال حق واگذاری محل به مأخذ وجوه دریافتی مالک یا صاحب حق و به نرخ دو درصد در تاریخ انتقال از طرف مالکان عین یا صاحبان حق مشمول مالیات می‌باشد» و طبق تبصره ۲ همین ماده: «حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب یا پیشه یا حق تصرف محل یا حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل.» با توجه به اینکه براساس نظریه اکثریت اعضای شورای عالی مالیاتی که در صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای مذکور منعکس شده و موضوع بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ سازمان امور مالیاتی کشور قرار گرفته، نسبت به انتقال اماکن و مستحدثات با کاربری آموزشی، صنعتی، اداری و نحو آن که قابلیت تجاری ندارند و اصولاً حقوق قابل انفکاک نسبت به عین املاک درباره آنها قابل تصور نیست، مالیات حق واگذاری تعیین شده است و این در حالی است که بر مبنای موازین قانونی یادشده، حق واگذاری شامل این قبیل موارد نمی‌شود؛ لذا صورتجلسه شماره ۱۸ - ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۹/۱۸ شورای عالی مالیاتی (موضوع بخشنامه شماره ۲۱۰/۹۹/۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ سازمان امور مالیاتی کشور) مغایر با ماده ۵۹ قانون مالیات‌های مستقیم و دادنامه شماره ۱۶۹ الی ۱۷۲ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۳۲۳۷

۱۴۰۰/۸/۲۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران  
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۸۰ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۷۹ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با موضوع: «بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر تبیین ساعتهای کاری نوبتهای صبح، عصر و شب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۷/۲۷ شماره دادنامه: ۲۱۸۰-۲۱۷۹

شماره پرونده: ۰۰۰۰۳۲۰ و ۹۹۰۳۲۳۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان محسن کریمی زندی و عیسی حسن زاد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ معاونت روابط

کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شماره ۱۲۸۷۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

۳- نظر به اینکه مراجع حل اختلاف کار در خصوص رسیدگی به دعوی مربوط به نوبت کاری با سردرگمی روبرو بوده و در این خصوص همواره تشتت آراء وجود داشت. معاون وقت روابط کار وزارت متبوع، دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار را در راستای شفاف‌سازی صادر نموده که حاوی حکم جدیدی نیست بلکه صرفاً بیان و تشریح قواعد و مقررات موجود برای رفع ابهام و ایجاد وحدت رویه است. لذا صدور دستورالعمل مذکور نه تنها در صلاحیت مقام مزبور بوده بلکه امری ضروری و در راستای انجام وظایف است چرا که جلوگیری از صدور آراء متناقض و متعارض در موارد مشابه و جلوگیری از تبعیض بین کارگران با شرایط کار یکسان از وظایف اصلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشد.

ب- در خصوص بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار: ۱- با عنایت به ماده ۵۵ قانون کار «کار نوبتی عبارت است از کاری که در طول ماه گردش دارد، به نحوی که نوبت‌های آن در صبح یا عصر یا شب واقع می‌شود.» در ماده مذکور به صورت کلی و بدون قید ساعت کار عبارت صبح و عصر و شب به کار رفته است.

۲- ماده ۵۱ قانون کار حداکثر ساعت کار قانونی کارگر را ۸ ساعت در روز اعلام نموده است. از طرفی ماده ۵۳ این قانون نیز کار روز را کارهایی دانسته که زمان انجام آن از ساعت ۶ بامداد تا ۲۲ می‌باشد و کار شب را کارهایی می‌داند که زمان انجام آن بین ۲۲ تا ۶ بامداد قرار دارد، با جمع مواد مذکور با محاسبه هر ۸ ساعت برای هر اوقات کاری، منظور از صبح از ساعت ۶ بامداد تا ۱۴ بعدازظهر و منظور از عصر از ساعت ۱۴ تا ۲۲ و منظور از شب از ساعت ۲۲ تا ۶ بامداد است. لیکن با توجه به ماده ۵۶ قانون کار در کارهای نوبتی الزاماً ساعت کار بر ساعات پیش‌فرض مذکور دقیقاً منطبق نمی‌شود و صور متنوع و گوناگونی دارد. برای جلوگیری از تشتت آراء و تضييع حقوق کارگران و کارفرمایان، در مواردی که چارچوب و اساس خاص وجود ندارد رجوع به قاعده منطقی می‌تواند راهگشا باشد. لذا با لحاظ ضابطه منطقی چنانچه نیم یا بیش از نیمی از ساعات هر نوبت کار مقرر به هر یک از نوبت‌های پیش‌فرض مقنن منطبق باشد همان نوبت تلقی می‌شود. برای مثال نوبتی که از ساعت ۸ صبح تا ۱۶ عصر تعیین شده است نوبت صبح تلقی می‌شود زیرا شش ساعت آن در صبح و فقط دو ساعت از آن در عصر واقع شده است. به نظر می‌رسد قاعده‌ای غیر از این منشأ بی‌عدالتی و بروز اختلاف در جامعه کارگری و کارفرمایی باشد. بنابراین با عنایت به مراتب فوق درخواست رد شکایت شاکی را از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌نمایم. در ضمن در صورت صلاحیت هیأت مزبور، خواهشمندم دستور فرمایید نماینده این اداره کل به جلسه دادرسی دعوت گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

اولاً: طبق بند ۲۶ اختیارات بیست و نه گانه اداره کل روابط کار و جبران خدمت، یکی از اختیارات آن اداره کل «ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در واحدهای اجرایی و مراجع حل اختلاف» است و با عنایت به اینکه براساس رأی شماره ۱۱۳۷ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: «اختیار حاصل از اصل ۱۳۸ قانون اساسی برای وزرا جهت تدوین آیین‌نامه و بخشنامه علاوه بر آنچه قانون مستقیماً آنها را مأمور تدوین آیین‌نامه اجرایی قوانین نموده، دلالتی بر نفی امکان صدور دستورالعمل و بخشنامه به عنوان یکی از لوازم اعمال مدیریت و اختیارات از سوی سایر مقامات وزارتخانه در چارچوب شرح وظایف و اختیارات تفویض شده به آنها ندارد»، بنابراین تصویب دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار که در جهت ایجاد وحدت رویه در خصوص ساعات‌های کاری نوبت کاری بوده است، خارج از حدود اختیار نیست. ثانیاً: با توجه به اصل هفتاد و سوم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است»، تبیین ساعت‌های کاری نوبتهای صبح، عصر و شب در ماده ۵۵ و ۵۶ و سایر مواد قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ که در قالب بند ۵ دستورالعمل مورد شکایت و بر مبنای تعیین ساعت‌های صورت گرفته و در صورت قرار داشتن قسمت‌های مربوط به ساعت‌های کاری در نوبتهای مختلف، با تعیین ضوابطی ساعات کاری را در یکی از نوبتهای یادشده قرار داده، در حکم تفسیر قانون است و لذا بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

بسط و گسترش آن صرفاً از طریق تفسیر قانون یا وضع قانون جدید توسط مجلس باید صورت گیرد.

لیکن متأسفانه در تدوین دستورالعمل شماره ۲۲ معاون روابط کار با صدور و ابلاغ دستورالعمل مذکور اقدام به بسط و گسترش دامنه شمول قانون به خصوص در بند ۵ دستورالعمل در رابطه با ماده ۵۶ قانون کار نموده و با طرح فرض قانونی مذکور در ماده ۵۳ سعی در تطبیق فرض ۱۲ ساعت کار با ۸ ساعت کار و تعریف ضابطه عقلایی برای آن نموده است تا به نتیجه مورد نظر خود مبنی بر تعلق فوق‌العاده نوبت کاری ۲۲/۵ درصدی به آن نماید. لذا صدور چنین دستورالعملی از جانب هر یک از مقامات به غیر از مرجع واضع آن مورد پذیرش قانون و هیأت دیوان عدالت اداری نبوده و بنابراین خارج از اختیارات هیأت وزیران و وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی و به طریق اولی معاون روابط کار می‌باشد که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌های شماره ۵۳۷ و ۵۳۸ مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ به این موضوع صحه گذشته و اقدام به ابطال بندهای ۵، ۴ و ۳ دستورالعمل شماره ۳۸ و بندهای ۲، ۵ و ۱ بخشنامه شماره ۳ روابط کار نموده است. علی‌ایحال خواهشمند است به جهت تضييع حقوق سرمایه‌گذاران بخش تولید و پیشگیری از آسیب و تحمیل هزینه‌های مازاد به صنعت، ضمن بررسی دادخواست تقدیمی حکم به ابطال بند ۵ دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار از تاریخ تصویب آن به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر فرمایید.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«دستورالعمل شماره ۲۲ روابط کار

مدیران کل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان‌ها

«۵- با عنایت به اینکه تعیین ساعات شروع و پایان کار در نظام حقوق کار فعلی امری قراردادی است و به این ترتیب در هر کارگاه بنا به مقتضیات مربوط تعیین می‌گردد، مآلاً نوبت‌های تعیین‌شده در موارد کار نوبتی الزاماً بر ساعات پیش‌فرض مقرر قانونی که در بند ۲ فوق ذکر گردید دقیقاً منطبق نمی‌باشد و صور متنوع و گوناگونی دارد. در این گونه موارد برای تطبیق وضعیت نوبت کاری هر کارگاه با مفاد ماده ۵۶ قانون کار و تعیین فوق‌العاده مربوط لازم است معلوم گردد که هر یک از نوبت‌های کار مقرر با کدام یک از نوبت‌های پیش‌فرض مقنن در مواد ۵۵ و ۵۶ قانون کار قابل انطباق است. برای این انطباق ملاک و ضابطه عقلایی و مقرر در این دستورالعمل این است که چنانچه نیم یا بیش از نیمی از ساعات هر نوبت کاری مقرر با هر یک از نوبت‌های پیش‌فرض مقنن منطبق باشد، همان نوبت تلقی خواهد شد. برای مثال نوبتی که از ساعت ۸ صبح تا ۱۶ عصر تعیین شده است، نوبت صبح تلقی می‌شود؛ زیرا شش ساعت از آن در صبح و فقط ۲ ساعت از آن در عصر واقع شده است و به این ترتیب مطابق ضابطه فوق‌الذکر از آنجا که بیش از نیمی از ساعات این نوبت در صبح واقع است نوبت صبح تلقی می‌شود.

مثالی دیگر: چنانچه در یک کارگاه نوبت‌های کار در دو نوبت سامان داده شده باشد و ساعت شروع و پایان کار در نوبت اول از ساعت ۷ صبح تا ۱۹ عصر و در نوبت دوم از ۱۹ عصر تا ۷ صبح باشد، هفت ساعت از نوبت دوازده ساعته اول در صبح و پنج ساعت آن در عصر واقع است و لذا نوبت صبح تلقی می‌شود. در نوبت دوم نیز که ساعت شروع کار، ۱۹ عصر و پایان آن، ۷ صبح روز بعد می‌باشد، ۳ ساعت از آن نوبت در عصر و ۸ ساعت در شب و ۱ ساعت در صبح قرار می‌گیرد و به این لحاظ نوبت شب تلقی شده و با صورت نوبت کاری صبح و شب منطبق بوده و فوق‌العاده مربوط ۲۲/۵٪ می‌باشد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، اداره کل حقوقی (معاونت امور مجلس، حقوقی و استانها) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به موجب لایحه شماره ۳۴۰۰۱-۱۴۰۰/۲/۲۹ نامه شماره ۳۰۶۱-۱۴۰۰/۲/۲۵ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را ارسال کرده است که متن آن به قرار زیر است:

«الف - در خصوص صلاحیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در صدور دستورالعمل: ۱- با توجه به اصل ۱۳۸ قانون اساسی هر یک از وزیران در حدود وظایف خویش حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد لیکن مفاد این مقررات نباید با متن و روح قانون مخالف باشد.

۲- علاوه بر مقررات موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی، هر یک از وزرا حق صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی را دارند که جنبه تبیین و تشریح قوانین و یا تنظیم امور داخلی و نظارت بر حسن اجرای قوانین را دارد. چنانچه در کتب حقوقی در تعریف بخشنامه یا دستورالعمل چنین آمده است: دستوراتی است که مقام مافوق در دستگاه‌های اجرایی خطاب به همکاران شاغل در قلمرو ماموریت خود صرفاً در مقام تبیین و بیان شیوه اجرای قوانین و مقررات و یا به منظور حسن اجرا و تنظیم امور داخلی صادر می‌نماید. بر همین مبنا معاونین وزیر در اداره وزارتخانه برای تمشیت امور حق صدور دستورالعمل را دارند.